

گرمای ۲۱۶-۲۱۸ درجه ذوب می‌شود. در آب به مقدار زیاد ولی در الکل بمقدار کم محلول است. اثر درمانی و مصارف کشاورزی و صنعتی آن مانند کولشی سین است. سمیت این ماده، معادل ۱/۱۰۰ کولشی سین گزارش شده است (سرك ايندكس).

خواص درمانی - کلشیک دارای اثر ضد نقرس است، بطوری که از این نظر باید آن را داروی اختصاصی نقرس حاد ذکر کرد. در دوران درمان نقرس با کلشیک، همواره باید به این نکته توجه داشت که به مجرد از بین رفتن درد و عوارض نقرس، مصرف آن قطع و مجدداً هنگام بروز عوارض تجدید گردد. احتیاط‌های لازمی که در هنگام مصرف کلشیک معمول می‌گردد از این نظر است که فرآورده‌های کلشیک ضمن رفع عوارض نقرسی، اثر شدید بروی معده و روده دارد. ناراحتی‌های مذکور با حذف مصرف کلشیک برطرف می‌شود.

کولشی سین چون از راه کلیه به تائی دفع می‌شود از این نظر نباید برای مبتلایان به ناراحتی‌های کلیه تجویز گردد. مصرف کلشیک و فرآورده‌های آن به دو صورت معمولاً انجام می‌گیرد. یکی آن که ابتدا آن را با مقدار کم مثلاً یک گرم تنطور کلشیک، شروع می‌کنند سپس مقدار آن را تا بروز نخستین عارضه دستگاه هضم، افزایش می‌دهند و یا آنکه ابتدا مقدار زیادتر مثلاً ۲ گرم تنطور دانه را تجویز می‌کنند و سپس به تناسب اثری که ظاهر می‌شود، مصرف آن را تجدید و یا مقدار آن را معادل ۱/۳، کم می‌کنند و این عمل را نیز تدریجاً انجام می‌دهند بطوری که پس از گذشتن ۴ روز، مقدار مصرف دارو به نصف مقدار اولیه تقلیل یابد.

صورت دارویی - در کدکس منحصرأ مصرف تنطور و عصاره کلشیک ذکر گردیده است. تنطور دانه کلشیک بهترین فرآورده آن است و به نسبت ۱/۱ تهیه می‌شود. این تنطور دارای ۳۰ درصد کولشی سین است و هر گرم آن برابر ۰۷ قطره می‌باشد. مصرف تنطور کلشیک بدین طریق است که ابتدا ۳ تا ۴ قطره و در روزهای بعد ۱۰ تا ۱۵ قطره زیادتر آن را به کار می‌برند و این عمل را تا سومی ادامه می‌دهند که بیش از ۳ یا ۴ بار، حس احتیاج به دفع در روز پیدا شود. حداکثر مصرف تنطور کلشیک طبق دستور کدکس، ۵ گرم در یک دفعه و ۶ گرم در ۴ ساعت است ولی به نظر می‌رسد که این مقدار زیاد باشد (Dorv. p. 706).

عصاره هیدروالکلی دانه کلشیک که هر ۱ گرم آن ۳ میلی‌گرم کولشی سین دارد، بمقدار ۰.۱ تا ۰.۸ گرم در ۴ ساعت به صورت حب مصرف می‌شود. حداکثر مصرف آن ۰.۵ در هر دفعه و ۲.۳ گرم در ۴ ساعت است.

کولشی سین را نیز می‌توان به عنوان ضد نقرس به کار برد ولی چون سمیت زیاد دارد، خطرناک است. بعلاوه، اثر آن در رفع نقرس به پای فرآورده‌های کلشیک نمی‌رسد. کولشی سین

در مصارف داخلی به مقدار ۱/۳ تا یک میلی‌گرم در یک دفعه و ۰.۳-۰.۴ گرم در ۴ ساعت به کار می‌رود. ضمناً مشاهده شده است که مصرف ۰.۳-۰.۴ گرم آن تولید سمیسمیت نموده است.

۱ - نسخه جهت درمان رماتیسم و نقرس

تنطور دانه کلشیک	۲۵	گرم
» برگ آکولیت	۱۲	»
» دیونال	۵	»
شراب سفید به مقدار	۱۰۰۰	»

پس از صاف کردن، به مقدار ۸ تا ۳۰ گرم هنگام صبح مصرف شود.

۲ - نسخه جهت درمان رماتیسم

سولفات کینین	۰.۱۵	گرم
عصاره دیونال	۰.۲	»
گرد دانه کلشیک	۰.۵	»

برای یک حب و به مقدار ۲ یا ۳ حب در روز.

این گیاه در ایران نمی‌روید.

از *C. luteum* Backer و *C. speciosum* Stev. در هند و ایران برای مصارف مشابه استفاده به عمل می‌آید. گونه اول در نواحی شمالی ایران، خوزن در نزدیک اسماعیل آباد، خالودشت، اطراف تهران مانند تجریش، خراسان و نواحی سرحدی در هریرود و گونه دوم در بلوچستان و نواحی جنوبی ایران می‌روید. برای گونه اخیر نام **سورنجان کرمانی** ذکر گردیده است

* *Schoenocaulon officinale* Asa Gray.

Sabadilla officinarum Br. & Ratzeb.

فرانسسه: Sabadille drug ، Sabadille ، Sebadille ، Cévadille انگلیسی

آلمانی: Indianischer rattenpfeffer ایتالیایی: Sabadiglio عربی: کوندس (۱)

گیاهی چندساله، دارای پیاز و برگهائی باریک و دراز و گسترده بروی زمین است. از وسط برگهای آن، همه ساله ساقه گلداری به ارتفاع بالغ بر ۲ متر خارج می‌شود. گل‌های کوچک و مایل به زرد آن به صورت خوشه فشرده‌ای در طول محور ساقه، ظاهر می‌گردند. پراکندگی آن به صورتی است که در مکزیک، گواتمالا، ونزوئلا و گویان یافت می‌شود. قسمت مورد استفاده آن

۱ - اسامی مذکور به گیاه فوق و گاهی به دانه آن اطلاق می‌شود.

نیز دانه‌های گیاه است که در صنعت به‌صنایف استخراج و ارتزین veratrine می‌رسد.
 میوه گیاه را معمولاً پس از رسیدن کامل می‌چینند و سپس خشک کرده دانه آنرا در معرض استفاده قرار می‌دهند. دانه آن که به‌تعداد ۲ در هریک از ۳ خانه میوه پوشینه مانند جای دارد، به‌درازای ۹ تا ۱۲ و به‌عرض ۲ تا ۳ میلی‌متر است. رنگ دانه‌های آن قهوه‌ای تیره و شفاف است و درون غشاء تیره رنگ آنها، آلبومین‌گوشته‌دار و روغنی‌جای دارد. دانه‌ها، طعم تلخ دارند ولی فاقد هرگونه بو هستند.

ترکیبات شیمیائی - دانه این گیاه دارای الکلونیدهای متعددی است که مهم‌ترین و سمی‌ترین آنها سوادین cévadine یا وراترین veratrine کریستالیزه و وراتریدین بتا β veratridine یا وراترین آسرف است. که از هیدرولیز آن، اسید وراتریک ac. veratrique و ورین verine به‌دست می‌آید. دیگر از الکلونیدها، سوادیلین Cévadiline یا سابادیلین بدفرمول $C_{17}H_{23}NO_9$ (Planchon - Bretin I, 367)، سابادینین sabadinine و همچنین سابادین sabadine است (۱).

دانه گیاه به‌علاوه دارای اسید وراتریک (veratric acid)، سراد روغنی و رزینی است.
 از هیدرولیز سوادین که در فوق اشاره شد، سوادیل نظیر سویین cévine، اسید آنزلیک و امپاتیک لیگ ac. tiglique به دست می‌آید.

سوادین Cévadine (وراترین سنبلور Cryst. veratrine)، به فرمول $C_{17}H_{23}NO_9$ و به‌وزن سلکولی ۱۹۷۲ است. از دانه Schoenocaulon officinale Asa Gray استخراج گردیده (۲)، فرمول سنبسط آن توسط Kupchan و Alphonso تعیین شده است (۳).

سوادین، به‌صورت بلورینهای منشوری شکل در اثر به‌دست می‌آید. در گرمای ۲۱۳ تا ۲۱۴°C تجزیه می‌شود. هر گرم آن در تقریباً ۱۰ میلی‌لیتر الکل یا اتر حل می‌شود.
 سوادین، اثر حشره‌کشی دارد.

وراتریدین Veratridine (وراترین آسرف amorphus veratrine)، به فرمول $C_{17}H_{23}NO_9$ و به وزن سلکولی ۱۹۷۲ است. از دانه گیاه مذکور، و از ریزوم

۱ - وجود الکلونیدی به نام سوادیلین یا سابادیلین در بعضی کتب علمی و سرک ایندکس منعکس نیست.

2 - Poetsch et al., J. Am. Pharm. Assoc. 38, 525 (1949).

3 - Kupchan, Alphonso. J. Am. Pharm. Assoc. 49, 242 (1960).

Veratrum album L. به‌دست می‌آید به‌علاوه می‌توان آنرا از وراترین تجارتنی تهیه کرد.
 وراتریدین، به‌صورت گرد آسرف و به‌رنگ سفید مایل به‌زرد به‌دست می‌آید. در گرمای ۱۸۰ درجه ذوب می‌شود. در آب به‌مقدار زیاد ولی در اتر به‌مقدار بسیار جزئی محلول است.
 سابادین Sabadine (ساواتین Savatine)، بدفرمول $C_{17}H_{23}NO_9$ و به‌وزن سلکولی ۱۹۷۲ است. از دانه Sch. officinale A. Gsay، استخراج (۱) و تعیین فرمول گسترده آن توسط Kupchan و همکارانش، و همچنین محققین دیگر انجام شده است.

سابادین، به‌صورت بلورینهای سوزنی‌شکل سنبلور می‌شود. در گرمای ۲۵۶-۲۵۸ درجه ذوب و تجزیه می‌گردد.

اسید وراتریک Acide veratrique، به فرمول $C_9H_{11}O_6$ و به وزن سلکولی ۱۸۲۱۷ است. از گیاه مذکور استخراج شده از هیدرولیز وراتریدین نیز به‌دست می‌آید.

سوهیدرات آن، به‌حالت سنبلور به‌دست می‌آید و در گرمای ۱۸۰-۱۸۱ درجه، حالت انیدر پیدا می‌کند و در این حالت نیز در گرمای ۱۸۰-۱۸۱ درجه ذوب می‌شود. در الکل و اتر به‌مقدار زیاد ولی در آب سرد به‌مقدار بسیار جزئی حل می‌گردد.

باید توجه داشت که تحت نام وراترین تجارتنی، مخلوطی از الکلونیدهای مختلف دانه، مخصوصاً سوادین، وراترین، سابادین و سویین در معرض استفاده قرار می‌گیرد که سمیت زیاد دارد و شدیداً تحریک‌کننده مخاطها و عطسه‌آور است. این ماده به‌صورت گرد سفید یا سفید مایل به‌خاکستری است. به‌مقدار بسیار کم در آب ولی به‌مقدار زیاد در الکل، کلروفرم و بنزن حل می‌شود. در اتر و پترول غیر محلول است. از نظر درمانی آنرا بعنوان تحریک‌کننده سطحی که اثر محرک‌های دیگر را از بین ببرد مورد استفاده قرار می‌دهند (سرک ایندکس).

خواص درمانی - دانه این گیاه به‌علت دارا بودن الکلونیدهای سمی مختلف که شرح داده شد، خطرناک است و در مصارف داخلی از آن کمتر استفاده به‌عمل می‌آید. استفاده از آن امروزه محدود به‌استعمال خارج و یا استخراج الکلونید شده است. دانه گیاه دارای اثر مسهلی قوی و بسیار تحریک‌کننده است. مصرف آن، احساس گرما در پوست بدن، حالت سوزن‌زدگی و سوختگی در مخاطها ایجاد می‌کند. معیذاً در بعضی موارد از دانه گیاه برای رفع دردهای عصبی مخصوصاً دردهای عصبی ناحیه صورت، سیاتیک، نقرس، رماتیسم و رفع خارش‌های مهبلی با اخذ نتایج خوب استفاده به‌عمل می‌آید. در هر حال با همه خواصی که ذکر شد باید هشواره به این نکته توجه شود که مصرف آن در مصارف داخلی خطرناک است.

1 - Merck, Arch. Pharm. 229, 164 164 (1897).

در استعمال خارج از آن، جهت دفع حشرات طفیلی استفاده به عمل می آید.

صورداروئی - در استعمال خارج، گرد و تنطور آن به مصارف دفع حشرات طفیلی مخصوصاً شپش می رسد. خاصیت باکتری کشی آن قوی است. گرد دانه آن، اثر تاول آور و عطسه آور دارد و از مخلوط آن با Staphysaigre (رجوع شود به جلد اول) و گردهای حشره کش دیگر، جهت دفع حشرات سودی استفاده به عمل می آید.

سوادین، ساده ای است سمی و خطرناک که از بین خواص مختلف آن باید تأثیر این ساده را بر روی عضلات مخطط ذکر نمود. از نظر داروئی هیچ گونه استفاده درمانی از آن به عمل نمی آید و فقط در بعضی امور تحقیقاتی در فیزیولوژی از آن استفاده می شود. شدیداً پوست و مخصوصاً مخاطها را تحریک می کند.

این گیاه در ایران نمی روید.

* *Veratrum album* L.

V. polygamum Gilib. ، *V. viride* Roehl.

فرانسه : *Varaire blanc* ، *Vératre blanc* ، *Ellébore blanc* ؛

انگلیسی : *Lang - Wort* ، *False - Hellebore* ، *White - Hellebore* ؛

آلمانی : *Weisser Germer* ایتالیائی : *Giglio - verd* ، *Veratro bianco* ؛

عربی : *خریق ابیض*

گیاهی علفی، پایا، دارای ریزوم نسبتاً ضخیم و ساقه ای به ارتفاع معادل یک متر است در نواحی کوهستانی اروپای مرکزی و جنوبی و همچنین نقاط معتدله آسیا می روید ولی در ایران یافت نمی شود. از مشخصات آن این است که برگهائی متناوب، بسیار بزرگ، بیضوی و غلاف دار دارد. برگهای قاعده ساقه آن دارای نوک مدور ولی برگهای قسمت انتهائی ساقه، نوک تیزند. گلهای آن که در فاصله ماههای تیر و مرداد ظاهر می شوند، رنگ سفید مایل به زرد یا مایل به سبز دارند و به صورت خوشه هائی در قسمت انتهائی ساقه مجتمع می گردند. میوه اش مرکب از ۳ پوشینه پیوسته به هم از پائین است ولی به سهولت از ناحیه فوقانی، از یکدیگر جدا می گردند. دانه های درون میوه، متعدد و دارای بال نازک می باشند. تکثیر این گیاه با کاشتن دانه یا قطعات ریزوم آن صورت می گیرد.

قسمت مورد استفاده این گیاه ریزوم آن است که در فصل پائیز آن را از زمین خارج نموده پس از قطع کردن بقایای برگ واز بین بردن خاک و آلودگیهای دیگر، آنرا طولاً به ۲ تا ۳ قسمت کرده هر یک از قسمتها را نیز عرضاً تقسیم می نمایند.

ریزومها در صورت کامل بودن، به شکل استوانه ای به طول ۵ تا ۱۰ و پهنای ۲ سانتیمتر می باشند. رنگ آنها کاملاً تیره است. در سطح آنها ناهمواریها و در قسمت انتهائی آنها، اثر برگها دیده می شود. اطراف ریزوم را نیز ریشه های متعدد فراسی گیرد بطوری که ریزوم، کاملاً درون ریشه ها پوشیده و نهفته باقی می ماند.



ش ۱۴۱ - *Veratrum album* : شاخه برگدار و گلدار (اندازه های طبیعی)

طعم آنها تند و تلخ و سوزاننده و بوی آنها ضعیف است. گرد ریزوم نیز به شدت عطسه

آور است .

ترکیبات شیمیائی- ریزوم گیاه دارای ۰.۲ تا یک درصد از الکلوئیدهای ترکیب یافته با اسید کلیدونیک ac. chelidoniique نظیر ژروبرین (Planchon - Bretin, I. 364)، پروتووراترین protoveratrine، ژروبرین jervine، روبی ژروبرین rubijervine و پسودوژروبرین pseudojervine است. از بین این الکلوئید، پروتووراترین، سمی ترازمه بوده به صورت بلورهای کوچک به دست آمده است. دو الکلوئید اخیر، یعنی روبی ژروبرین و پسودوژروبرین، دارای سمیت کم و یا فاقد سمیت است. در سال ۱۸۴۰، ماده‌ای توسط Saito به نام وراترامین (veratramine) به دست آمد علاوه وجود یک گلوکزید تلخ به نام وراترامارین veratramarin، وراتریدین veratridine، رزین، آسیدون، انواع قندها، پکتین و سواد روغنی نیز در ریزوم گیاه محقق گردید.

در انواع مختلف این گیاه، وجود ماده‌ای به نام ایزوروبی ژروبرین isorubijervine نیز در کتب علمی ذکر شده است (سرک ایندکسی).

ژروبرین Jervine، الکلوئیدی است که در انواع مختلف Veratrum به شرح زیر وجود دارد و از آنها استخراج شده است (1):

Veratrum album L.	-۱
— — grandiflorum Loes. F.	-۲
— — viride L.	-۳

تعیین فرسول گسترده ژروبرین، توسط Fried و همکارانش (2) و سنتز توتال آن توسط Kutncy انجام گرفته است.

ژروبرین، به صورت بلورهای سوزنی شکل در مخلوط متانول و آب به دست می‌آید. در گرمای ۲۴۴.۵-۲۴۵.۰ (Saito) ذوب می‌گردد.

این الکلوئید، بدون بو ولی دارای طعم بسیار تلخ است. در اسید سولفوریک حل می‌شود و ابتدا رنگ زرد و سپس قهوه‌ای مایل به سبز ایجاد می‌کند. با افزودن قند ساکارز نیز رنگ، محلول به آبی سیدل می‌شود.

روبی ژروبرین Rubijervine (Rubigervine)، به فرسول $C_{27}H_{43}NO_7$ و به وزن-ملکولی ۴۱۳.۶۲ است. در انواع مختلف Veratrum وجود دارد و از آنها استخراج شده است (3).

- 1 - Saito, Bull. Chem. Soc. Japan 9, 15 (1934).
- 2 - Fried et al., J. Am. Chem. Soc. 73, 2970 (1951).
- 3 - Wright, Luff, J. Chem. Soc. 35, 405 (1879).

روبی ژروبرین به صورت بلورهای سوزنی شکل در الکل به دست می‌آید. در گرمای ۲۴۶ تا ۲۴۶ درجه ذوب می‌شود. در اتانول، متانول، بنزن و کلروفرم به مقدار زیاد ولی در اتر و اتر-دیپترول (پترول اتر) به مقدار کم حل می‌گردد. در اسید سولفوریک، محلول زرد و سپس قرمز ایجاد می‌کند.

روبی ژروبرین، از نظر درمانی اثر ضد قارچ دارد.

پروتووراترین Protoveratrine، الکلوئیدی است که از ریزوم *Vertarum album L.* استخراج شده (1) دارای ۲ نوع A و B است.

پروتووراترین، از نظر درمانی اثر پائین آورنده فشار خون دارد.

پسودوژروبرین Pseudojervine، به فرسول $C_{27}H_{49}NO_8$ و به وزن ملکولی ۵۸۷.۷۶ است. از ۳ نوع *Veratrum* به نامهای *V. album L.* (2)، *V. eschscholtzii Gray.* و *V. viride L.* استخراج گردیده است.

پسودوژروبرین، به صورت بلورهای ورقه‌سازند به حالت متبلور به دست می‌آید. در گرمای ۳۰۰-۳۰۰ درجه ذوب می‌شود. در کلروفرم و بنزن به مقدار زیاد ولی در الکل به مقدار کم حل می‌گردد. در اتر تقریباً غیر محلول است.

ایزوروبی ژروبرین Isorubijervine، به فرسول $C_{27}H_{43}NO_7$ و به وزن ملکولی ۴۱۳.۶۲ است و در انواع مختلف *Veratrum* یافت می‌شود. استخراج و تعیین فرسول گسترده آن توسط Jacobs، Craig و محققین دیگر صورت گرفته است (3).

ایزوروبی ژروبرین، به حالت متبلور در الکل به دست می‌آید. در گرمای ۲۳۷-۲۳۵ درجه نیز ذوب می‌گردد.

وراترامین Veratramine، به فرسول $C_{27}H_{49}NO_7$ و به وزن ملکولی ۴۰۹.۰۹ است. از گیاه مذکور و *V. grandiflorum Loes. F.* (4) و *V. viride L.* استخراج و بعداً توسط Masamune و همکارانش سنتز شده است (5).

وراترامارین، به حالت متبلور به دست می‌آید. در گرمای ۲۰۶-۲۰۷ درجه ذوب

- 1 - Salzberger, Arch. Pharm. 228, 462 (1890).
- 2 - Wright, Luff, J. Chem. Soc, 35, 405 (1879).
- 3 - Jacobs, Craig, J. Biol. Chem. 143, 41 (1940).
- 4 - Saito, Bull. Chem. Soc. Japan, 15, 22 (1940).
- 5 - Mesamune et al., J. Am. Chem. Soc. 89, 4521 (1967).

می‌شود. در آب به مقدار بسیار کم ولی در ستانول و اتانول به مقادیر نسبتاً زیاد محلول است. الکلوئیدهای مذکور در پارانثیم پوستی سولید نشاسته مخصوصاً در اطراف آندودرم ریشه و ریزوم گیاه سترم کرزند. بشره و آندودرم و استوانه مرکزی ریشه و ریزوم، فاقد الکلوئیدهای مذکور می‌باشند.

خواص درمانی - ریشه این گیاه دارای اثر رسمی شدید، عطسه‌آور، زیاد کننده ترشحات بزاق، قی‌آور، سبیل، آرام کننده دردهای عصبی و تاول‌آور است و اگر فرآورده‌های آن مثلاً دم کرده، تنطور و غیره بطور اشتباهی مصرف گردد تولید سوزش شدید در حلق و طول سری نموده عوارضی نظیر کسالت عمومی، زیاد شدن ترشح آب دهان، استفراغ، کندی ضربان نبض، احساس سرما، تشنج، تنگی نفس، سیانوز و اغماء به وجود می‌آورند.

از ریزوم این گیاه سابقاً در انگلستان جهت درمان تفرس استفاده به عمل می‌آمد ولی امروزه به علت سمی بودن، مصرف آن کم شده است بطوری که ندرتاً در برخی بیماریهای پوست و اعصاب مانند احتقان مغزی و غیره ممکن است به کار رود.

در استعمال خارج، جهت رفع عوارض جلدی مختلف، مداوای جرب و دفع طفیلی‌هایی نظیر آن به کار می‌رود. دانه این گیاه برای طیور و سرخ‌خانگی کشنده است و اگر در علوفه حیوانات اهلی مانند دامها موجود باشد، موجبات سسموئیت آنها را فراهم می‌سازد.

صورداروئی - در صراف درخلی، گرد آن به مقدار حداکثر ۳ ر. گرم در یک دفعه و ۱ ر. گرم در ۲ ساعت و همچنین تنطور ۱/ آن به مقدار ۱۰ تا ۳۰ قطره در ۲ ساعت برای اشخاص بالغ مصرف می‌شود.

در استعمال خارج، به مقدار ۲۰ ر. تا ۵۰ ر. گرم مخلوط در ۳ گرم پیه‌خوک و یادم - کرده در هزار آن جهت درمان کچلی به کار می‌رود.

Veratrum viride Ait. * ، گونه دیگری از گیاه مذکور است که در اتانول می‌روید و به خلاف گیاه قبلی، برگهای باریک دارد. ریزوم آن دارای الکلوئیدهای مختلف مانند ژروین، پسرودژروین، روی ژروین، سوادین، ژه میترین gemitrine ، ژه میدین gemidine و واترالین veratralbine ، وراتروئیدین veratroidine ، وراترامین و غیره است (سرك ایندکس) و از آن، جهت رفع عوارض رماتیسم و درمان تصلب شرائین و یائین آوردن فشارخون استفاده می‌شود. در دامپزشکی به صراف درمان بیماری‌های جریان گردش خون می‌رسد و بعلاوه به‌عنوان قی‌آور و دفع کرم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

هیچیک از دو گیاه مذکور در ایران نمی‌رویند.

تیره لاله Liliaceae

تیره لاله شامل گیاهان متنوعی با مشخصات غیریکسان است و از این جهت است که سابقاً آنرا مرکب از تیره‌های فرعی Colchicoideae ، Asparagoideae ، Lilioideae و غیره ذکر می‌کردند و اگر امروزه نیز به همان صورت عمل شود، تیره بزرگی مرکب از ۲۵۰ جنس و متجاوز از ۱۰۰۰ گونه گیاه از مجموع آنها فراهم می‌گردد.

دانشمندان گیاه شناس امروز متوجه گردیده‌اند که تیره‌های فرعی مذکور و حتی تقسیماتی از تیره لاله را که سابقاً به علت اشتراك بعضی صفات، در تیره واحدی جای می‌دادند، می‌توان به صورت تیره‌های مستقل در آورد. در این کتاب نیز به پیروی از روشهای معمول، تیره‌های فرعی رده‌بندیهای سابق که هر یک از نظر مشخصات کلی، وضع خاصی دارند، به صورت سه تیره جداگانه *Colchicaceae* ، *Liliaceae* و *Asparagaceae* مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

با آنکه گیاهان تیره لاله در هر محیطی یافت می‌شوند معیناً پراکندگی عده زیادی از آنها، به نحوی نیست که در هر آب و هوایی از کره زمین مشاهده گردند. در بین این گیاهان، *Allium* ها که شامل ۳۰ گونه‌اند، بیشتر از سایر انواع، در نقاط مختلف کره زمین وسعت انتشار دارند. پراکندگی عده‌ای از آنها به‌صورتی است که ندرتاً گونه‌های مختلف یک جنس بلکه جنسهای متعلق به یک گروه بزرگتر نیز در وسعت خاصی از کره زمین یافت می‌شوند بطوری که هیچگاه خارج از آن حد مشاهده نمی‌گردند. انواعی از این گیاهان مانند *Aloe* ها و *Yucca* ها، اختصاص به مناطق استوایی دارند و فقط نمونه‌های زینتی آنها ممکن است در سایر مناطق دیده شوند. بعضی از گیاهان تیره لاله نیز ندرتاً در نواحی بایر و خشک دیده می‌شوند و به‌زندگی در این گونه نواحی، سازش حاصل کرده‌اند.

گیاهانی علفی، یکساله یا پایا، دارای پیاز یا ریزوم و یا ریشه‌هایی به صورت افشان یا به صورت دیگر هستند. بعضی از آنها نیز ریشه‌های متورم دارند. برگهای آنها ساده، غالباً کامل، دارای وضع متناوب، متقابل یا فراهم و یا واقع در قاعده ساقه‌اند. پینک برگ آنها معمولاً باریک و دراز و دارای رگبرگهای سوازی است. در عده‌ای از آنها مانند *Aloe* ها، برگها ضخیم و گوشه‌دارند. گلهای آنها نر ماده (به ندرت به صورت دیگر)، منظم، به رنگهای مختلف، منفرد یا مجتمع به صورت خوشه، پانیکول، سنبله و یا گل‌آذین‌های دیگرند. هر گل آنها دارای ۳ کاسبرگ، ۳ گلبرگ، ۳ پرچم در ۲ ردیف و ۳ پرچه می‌باشد. در بعضی از آنها نیز ممکن است ندرتاً تعداد قطعات هر

حلقه تفاوت داشته باشد. پوشش گل آنها گرچه از ۲ حلقه ۳ تائی تشکیل می‌یابد معهداً قطعات آن به رنگ یکدیگر و دارای وضع متناوب نسبت به هم هستند. تخمدان آنها ۳ خانده و میوه آنها پوشینه است. بعضی از این گیاهان مانند سیر، پیاز، تره و غیره به مصارف تغذیه می‌رسند. برخی دیگر مانند Aloe و Scilla، از نظر درمانی قابل توجه می‌باشند.

از جنس‌های فراوان این تیره، Allium (۳۰ گونه)، Fritillaria (۶۰ گونه)، Urginea (متجاوز از ۱۰ گونه)، Muscari (متجاوز از ۱۰ گونه) و Scilla (۲ گونه) را نام می‌بریم.

Aloe

فرانسه: Aloès انگلیسی: Aloes آلمانی: Aloe ایتالیائی: Aloè، A. ordinario

فارسی: صبرزرد^(۱) - عربی: الصبر (As saber)، صبر، المقر

آلوئس که به فارسی صبر یا صبرزرد نامیده می‌شود، شیرابه سنت شده‌ای است که از برگ‌گوشته‌دار انواع متنوعی از Aloe ها، به طریقی که شرح داده می‌شود بدست می‌آید. این ماده دارای اثر مسهلی واز مشتقات آنتراکینونیک (Anthraquinone) است. Aloe ها گیاهان مخصوص نواحی حاره‌اند و منشاء اصلی آنها نیرکاپ و مناطق حاره آفریقا بوده است. عموماً فاقد ساقه و یا دارای ساقه کوتاها‌اند. برگهای آنها ضخیم، گوشته‌دار و به رنگ سبز یا سایل به قرمز است. عاری از دمبرگ ولی دارای پهنکی باقاعده پهن و نوک - باریک‌اند. گلهای آنها بر روی محور می‌سوزد به صورت گل‌آذین سنبله‌گرد آمده است. مهم‌ترین گیاهان سولد آن به شرح زیرند.

۱- *Aloe vera* L. *^(۲)، *A. barbadensis* Mill.، در آفریقای شمالی و جزایر آنتیل می‌روید. برگهای ضخیم و دراز، بالک‌های قابل تشخیص و کناره پیچ و خم دار، منتهی به تیغ دارد. گلهای آن به رنگ سبز سایل به زرد و مجتمع به صورت خوشه زیبائی در انتهای محور گل-آذین است. آلوئس حاصل از آن، به نامهای زیر موسوم می‌باشد:

Aloès des Barbades و Aloès de l' Inde و Aloès du Curaçao

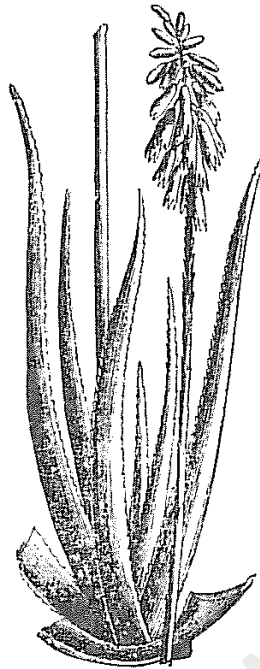
۲- *Aloe ferax* L. * و دو رنگه‌های متعدد آن و همچنین *A. africana* Mill. *، *A. spicata* Thumb. * و گونه‌های مختلف دیگر که عموماً در آفریقای جنوبی می‌رویند، نوعی

۱- گیاهان سولد این ماده در ایران نمی‌رویند ولی صبرزرد در بازارهای ایران یافت می‌شود.

۲- *A. vera* L. در بعضی کتب داروئی، سینولیم *A. vulgaris* Lamk ذکر شده است.

آلوئس به نام *Aloès du cap* تولید می‌کنند که دارای اهمیت بسیار است.

۳- *Aloe perryi* Bak. * که در جزایر سوکوترا (Socotra) و *A. succotrina* Lam. * و واریته‌های آن که در سوکوترا و جزایر دیگر اقیانوس هند می‌رویند، نوعی آلوئس به نام *Aloès socotrina* می‌دهند. نوعی آلوئس دیگر نیز به نام *Aloès du Natal* وجود دارد که گیاه سولد آنرا احتمالاً *Aloe Candelabrum* Tod. تصور می‌نمایند. آلوئس‌های دیگری نیز وجود دارد که از نظر درمانی بی‌ارزش و یا دارای ارزش کم‌اند و از ذکر آنها خود داری به عمل آمده است.



ش ۱۴۲ - *Aloe vera*: گیاه کامل گل‌دار

اختصاصات تشریحی - برگ‌گونه‌های مختلف Aloe از نظر تشریحی، ساختمان یکسان

دارند و در برش عرضی، قسمتهای زیر را نشان می‌دهند.

۱- بشره برگ که دارای کوتیکول ضخیم است و در فواصل مختلف آن، روزنه دیده

می‌شود.

۲- پارانشیم کلروفیل دار زیر بشره در ردیف اول، ساختمانی شبیه برگ سایر گیاهان، مرکب از سلول‌های دراز منشوری شکل دارد. در این ناحیه وزیر بافت مذکور، سلول‌های دراز با بلورهای سوزنی شکل اکسالات کلسیم (رافید) مشاهده می‌شود.

۳- ضخامت برگ از پارانشیم پیرنگ، سوسیل‌ژدار و محتوی شیره چسبنده تشکیل می‌یابد. ۴- دسته‌های چوبد آبکش که بلافاصله در زیر سلول‌های کلروفیل دار قرار دارند، به صورت دو قوس دیده می‌شوند. یکی از این دو قوس، حالت متعر (دسته‌های چوبد آبکش مربوط به سطح فوقانی پهنک) و دیگری حالت محدب (دسته‌های چوبد آبکش مربوط به سطح تحتانی پهنک) دارد. بافت پارانشیمی برگ، از سه طرف، این دسته‌ها را در بر می‌گیرد.

آلوئس به طرق مختلف به شرح زیر تهیه می‌شود:

الف - برگ‌ها را پس از جدا کردن از ساقه (یا بقیه)، به حالت ایستاده یا مورب و متکی بر روی یکدیگر، در درون یک ظرف یا درحفری که آن را از پوست بز مفروش می‌نمایند، قرار می‌دهند. با این ترتیب، شیره‌ای از آنها خارج می‌شود که به سهولت جمع‌آوری شده پس از تغلیظ، می‌تواند به مصارف مختلف برسد. آلوئسی که بدین نحو به دست می‌آید، از سایر انواع، خالص‌تر و با ارزش است. متفاوت در بعضی نواحی نیز برگ‌ها را از قاعده، درون ظرفی به شکل V قرار می‌دهند و پس از جمع شدن شیره در ته ظرف، آن را به حال خود می‌گذارند تا پس از جدا کردن ناخالصی‌ها، تغلیظ کرده و به حالت گرم، درون کالباس یا داخل جعبه‌هایی به گنجایش ۱ تا ۳ کیلوگرم وارد نمایند. شیره نسبتاً خالص مذکور، در داخل ظرف انجماد حاصل می‌کند و بعداً وارد بازار تجارت می‌شود.

ب - برگ‌ها را به قطعاتی تقسیم کرده پس از له کردن می‌فشارند سپس شیره حاصل را به مدت ۳ ساعت به حال خود می‌گذارند تا قسمت مورد نظر آن در سطح مجزا، از سوادی نظیر سوسیل‌ژ، تانن، آلبومین و قطعات خرد شده بافتها، قرار گرفته به سهولت از آنها جدا شود. این نوع آلوئس، از انواع ناخالص به شمار می‌آید.

ج - برگ گیاه را به قطعاتی تقسیم نموده پس از له کردن، در آب سرد قرار می‌دهند و پس از آنکه مدتی در آب قرار گرفت آن را صاف کرده به باقیمانده ته ظرف نیز مقدار آب افزوده به حالت جوش می‌رسانند. با این عمل مقدار دیگری شیره به دست می‌آید که آن را با شیره حاصل از عمل اول، مخلوط و سپس تغلیظ می‌کنند.

د- قطعات کوچک برگ را در درون سبدهای که از سیم‌های آهنی ساخته شده قرار می‌دهند سپس سبد را دردیگ آب جوش قرار داده، پس از ۱ دقیقه آن را خارج می‌سازند و پس از تخلیه،

قطعات برگ‌های جدیدی در درون سبد جای می‌دهند. این عمل تکرار دادن قطعات برگ در درون سبد، در داخل آب جوش را تا موقعی ادامه می‌دهند که آب مذکور غلظت قابل ملاحظه و رنگ تیره حاصل کند. آب تیره رنگ حاصل را سپس در محلی به حال خود باقی می‌گذارند. تا قسمت مورد استفاده آن از ناخالصی‌های مختلف جدا گردیده در دو سطح مختلف قرار گیرند. بعداً به روش کچ کردن ظرف، شیره را از ناخالصی‌ها جداسازی می‌سازند.

عمل تغلیظ شیره‌های حاصل، به کمک گرمای خورشید و یا گرمای مستقیم صورت می‌گیرد. در حالت اخیر، ظرف مسی محتوی شیره را بر روی آتش قرار داده گاهگاه آن را به هم می‌زنند تا ضمن انجام این عمل، ناخالصی‌های آن همراه با کف قسمتهای سطحی خارج شود.

صفات ظاهری - چون آلوئس به روشهای مختلف تهیه می‌شود، از این جهت نمونه‌های آن از نظر شکل ظاهری و برخی صفات با یکدیگر تفاوت دارند.

آلوئس به صورت توده‌های بی‌شکل و نامنظم وارد بازار تجارت می‌شود مانند آنکه برخی از آنها به صورت ورقه‌های نازک و شفاف (Aloès translucide) و بعضی دیگر کدر، به رنگ تیره با منظره جگر سیاه (Aloès hépatique) می‌باشند. به علاوه قطعاتی از آلوئس که در عین حال دارای صفات توأم دو نوع مذکور باشند نیز دیده می‌شود. در این نوع آلوئس (Aloès mixte)، قسمتهای شفاف، در داخل توده کدر و تیره رنگ یا برعکس دیده می‌شود. دو نوع اولیه که بدان‌ها اشاره شد، دارای ارزش تقریباً یکسان در بازارهای دارویی می‌باشند. نوع دیگری از آلوئس که به Aloe Caballin موسوم است نیز وجود دارد که به صورت توده‌هایی به رنگ قهوه‌ای و دارای ناخالصی‌های بسیار است و چندان مورد توجه نیست.

رنگ انواع آلوئس از قرمز تا قهوه‌ای تیره تغییر می‌کند. برخی از انواع آنها نیز دارای مشخصات خاص می‌باشند مانند آنکه قطعات آلوئس کاپ (Aloès du Cap)، دارای تلالوئی به رنگ مایل به سبز ولی قطعات آلوئس سوکرتین (Aloès de Soccotrin) به رنگ قرمز - یاقوتی است.

قطعات آلوئس اگر به خوبی خشک شده باشند، سخت و شکننده‌اند و به سهولت به حالت گرد در می‌آیند. در مجاورت حرارت، ابتدا نرم و ذوب می‌شوند و سپس با شعله درخشانی می‌سوزند، پس از سوختن نیز معادل ۵۰ درصد وزن خود، خاکستر برجای می‌گذارند.

آلوئس تقریباً بطور کامل در الکل ۸۰ درصد حل می‌شود. به مقدار کم در آب سرد و بطور کامل در آب دارای قلیائیات یا در آب جوش حل می‌گردد و به صورت محلولی در می‌آید که پس از سرد شدن، ته‌نشینی به نام Résine d' Aloès از آن به دست می‌آید. آلوئس در اثر،

سولفورکربن و اسانس دوپترول غیر محلول است. طعم آن مشخص و بسیار تلخ ولی بوی آن متفاوت و در تشخیص انواع آلوئس مؤثر می‌باشد.

انواع تجارتی آلوئس به شرح زیرند:

۱- **آلوئس سوکوترون** Aloès Soccotrin که در کدکس ۱۹۳۷، نوع افی سینال ذکر شده به آلوئس بمبئی یا آلوئس زنگبار نیز موسوم است. از مشخصات آن این است که حالت خمیری دارد و به دو صورت «شفاف» و «کدر یا جگری» می‌باشد. نوع مرغوب آن، شفاف و به رنگ قرمز عقیقی است و اگر شکسته شود، در محل شکستگی، شفافیت آن بهتر جلوه می‌کند. بوی آن در صورت خشک بودن، مطبوع و شبیه بوی سیر و زعفران است. نوع کدر و جگری آن تقریباً کمتر یافت می‌شود. نوع مرغوب این آلوئس، پس از گرد شدن، رنگ زرد طلائی پیدا می‌کند.

۲- **آلوئس کاپ** Aloès du Cap که سهمترین نوع افی سینال آلوئس به حساب می‌آید، به صورت قطعاتی بزرگ به رنگ قهوه‌ای تیره با تلالو سایل به سبز است و اگر شکسته شود، محل شکستگی آن، شفاف و شیشه‌ای است. قطعات نازک آن رنگ سایل به قرمز یا کهربائی شفاف دارند و در زیر میکروسکپ، فاقد هرگونه بلور دیده می‌شوند. گرد آن به رنگ زرد سایل به سبز است. طعم آن بسیار تلخ و تهوع آور و بوی آن قوی، ترشیده و مشخص می‌باشد.

آلوئس اوگاندا Aloès de L' Ouganda که در واقع نوع جگری آلوئس مذکور به حساب می‌آید، به شکل قطعاتی به رنگ قهوه‌ای سایل به زرد است و به صورت توده‌ای واقع در داخل پوست سیمون، وارد بازار تجارت می‌گردد. ارزش آن قابل ملاحظه نیست.

۳- **آلوئس کوراسائو** Aloès de Curaçao، در کدکس ۱۹۳۷، افی سینال ذکر شده و یک نوع جگری دیگر آلوئس است. رنگ آن از قهوه‌ای سایل به زرد تا قهوه‌ای شکلاتی و حتی سیاه رنگ (نوع نامرغوب)، تغییر می‌نماید. بوی آن ناسطبوع و یا باصطلاح، دارای بوی عرق تن سیاهان است.

۴- **آلوئس ناتال** Aloès du Natal، در نواحی کوهستانی ناتال تهیه می‌شود و در صندوقهای چوبی کوچک به انگلستان حمل می‌گردد. از نظر تجارتی، نوع جگری به حساب آمده، رنگ سایل به سبز تیره یا قهوه‌ای سایل به خاکستری دارد. بوی آن شبیه آلوئس کاپ است.

۵- **آلوئس بارباد** Aloès des Barbades، به صورت توده کدر، سخت و به رنگ سبغیر قهوه‌ای سایل به زرد یا سایل به قرمز تا قهوه‌ای شکلاتی و حتی تیره است. گرد آن در آغاز، رنگ زرد سایل به قرمز دارد ولی در سجاورت نور، تدریجاً قرمز قهوه‌ای می‌شود. بوی آن شبیه بوی

توام سیر وید می‌باشد. انواع حقیقی آن امروزه در بازارهای دارویی نایاب است.

۶- **Aloès de Jafferabad** که در بمبئی فروخته می‌شود، از Aloès abyssinica تهیه می‌گردد؟، مصرف آن بیشتر در هندوستان است. این آلوئس به صورت قطعات حجیم به رنگ تیره و قهوه‌ای شکلاتی است و بویی شبیه بوی آلوئس کوراسائو دارد.

تورکپیبات شیمیائی - در آلوئس ها سوادى به شرح زیر یافت می‌شود:

۱- اسانس به مقدار کم که بوی مخصوص انواع آلوئس مربوط به آن است.

۲- رزین به مقدار ۱۲ تا ۱ درصد که غیر محلول در کلروفرم است و قسمت غیرسهلی آلوئس را تشکیل می‌دهد.

۳- یک **امودین** Emodine به نام **آلوئه** امودین Aloe - emodine که جزئی از آن به حالت آزاد و قسمت زیادتر آن به حالت گلوکزیدی وجود دارد. این آلوئه امودین، ایزومری از فرانگولامودین^(۱) است که یک استیل تری اکسی آنتراکینون Méthyltrioxanthraquinone می‌باشد.

آلوئه امودین (را باربهرون rhabarberone)، به فرمول $C_{15}H_{11}O_6$ است و به صورت ذرات سوزنی شکل به رنگ نارنجی در تولوئن به دست می‌آید. در گرمای ۲۲۳-۲۲۴ درجه ذوب می‌شود. به مقدار زیاد در الکل گرم، اتر، بنزن (رنگ زرد ایجاد می‌کند)، محلول-اسونیک و اسیدسولفوریک (رنگ مرجانی ایجاد می‌کند) حل می‌شود.

دارای اثر مسهلی قوی است.

۴- **آلوئین** ها Aloïnes که مطالعات بسیاری درباره آنها صورت گرفته و خلاصه آن به شرح زیر است:

در سال ۱۸۴۶ دانشمندی به نام Robiquet، از آلوئس سوکوترون، ماده آمرف و تلخی به دست آورد که آن را **آلوئین** Aloéline نام نهاد. سپس H. Smith در سال ۱۸۵۱ از آلوئس بارباد، ماده متبلور و تلخی با اثر مسهلی به دست آورد که آن را **آلوئین** Aloïne نامید. به همین نحو ضمن بررسی آلوئس های مختلف، آلوئین های متفاوتی به دست آمد که برای تمیز دادن آنها از یکدیگر، بناچار خلاصه نام منشاء این آلوئس ها، به کلمه آلوئین افزوده شد مانند آنکه آلوئین حاصل از آلوئس بارباد، به **باربالوئین** Barbaloïne و به همین نحو **سوکوترون** (آلوئس سوکوترون) و **ناتالوئین** (آلوئس ناتال) نامگذاری گردیدند.

ناتالوئین، در گرمای ۲۰۳ درجه ذوب می‌شود و به صورت بلورهای فلس مانند زرد.

۱- رجوع شود به جلد اول این کتاب.

روشن نیز متبلور می‌گردد. با اسید سولفوریک دارای بیکرمات پتاسیم، رنگ سبز و یا سود دارای پرمولفات آمونیاک، رنگ بنفش می‌دهد.

از مجموعه بررسی‌هایی که در آلوئس‌ها به عمل آمد این نتیجه حاصل شد که همه آلوئس‌ها دارای مخلوطی به نسبت‌های مختلف از باربالوئین و دوایزوران می‌باشند به استثنای آلوئس ناتال که دارای یک آلوئین متفاوت با سایر انواع، به نام ناتالوئین و ماده مشابه دیگری به نام هوسوناتالوئین است.

باربالوئین Barbaloïne، به صورت بلورهای سوزنی منشوری شکل ظریف و زیبا، به رنگ زرد درخشان، متبلور می‌شود. در اسید کلریدریک، برسدریک و استیک به سهولت ولی در آب و الکل، به حالت گرم حل می‌گردد.

ه. مواد آسرف که ۶ تا ۶۰ درصد آن را تشکیل می‌دهند و قابلیت حل شدن در آب سرد را دارند.

خواص درمانی - شیرابه سفت شده برگ گیاهان مذکور که آلوئس یا صبرزرد نامیده می‌شود، دارای دواثر مقوی و مسهل است. مقدار کم یعنی ۰.۵ تا ۱.۰ گرم آن اثر محلل و مقوی دارد و به عنوان تقویت کننده دستگاه هضم به کار می‌رود و تصور می‌کنند که این عمل برای آن است که این ماده بطور خفیف، مخاط روده را تحریک کرده از توقف مواد در آنجا جلوگیری به عمل می‌آورد. از این نظر در موارد سوءهضم‌هایی که منشاء آنها ضعف عمل دستگاه گوارش باشد و همچنین به عنوان مقوی معده، به مقدار کم مصرف می‌شود. ضمناً مقدار متوسط آن به عنوان ملین به کار می‌رود. مقدار زیادتر آلوئس دارای اثر مسهلی قوی و قاعده‌آور است.

آلوئس مانند تمام سسهلهای دسته آنتراکینونیک عمل می‌کند با این تفاوت که عمل آن بطبی تر است و بعلاوه اثر ضد کرم (کرمک) نیز دارد.

آلوئس را نباید برای زنان باردار و در موارد خونروی در فواصل قاعدگی یا در حالاتی از بیماری که خون در ادرار ظاهر می‌شود و یا برای مبتلایان به یواسیر تجویز کرد. آلوئس اثر ضد عفونی کننده و التیام دهنده قوی نیز دارد و در بانسمان زخمها مخصوصاً در دامپزشکی و همچنین در سوختگیها به کار می‌رود. آلوئس و فرآورده‌های آن نباید به اطفال داده شود مگر در موارد لزوم، آن هم به صورت تنقیه، جهت دفع کرمک.

علاوه بر آلوئس که شیرابه سفت شده حاصل از برگ انواع مختلف Aloe می‌باشد، برگ این گیاهان نیز مصارف درمانی دارد. مانند آنکه از آنها بعنوان نرم کننده و درمان سوختگی‌های سطحی بدن استفاده بعمل می‌آورند و بعلاوه آنها را جهت پاک کردن سطح زخمها و اولس‌های

عفونی بکار می‌برند.

له شده قطعات برگ Aloe ها را اگر به پوست بدن در محل آگزما اثر می‌دهند و این عمل را بطور فاصله دار، چندبار تکرار کنند، ناراحتی مذکور درمان می‌پذیرد.

صورداروئی - گرد آلوئس به صورت کاشه یا حب و به عنوان مقوی معده به مقدار ۰.۲ تا ۱.۰ گرم قبل از غذا، یا ملین به مقدار ۱.۰ تا ۶.۰ گرم و بندرت به عنوان مسهل و به مقدار ۰.۶ تا ۱.۰ گرم مصرف می‌شود. تنطوری ساده ۰.۱٪ آن که هر ۴ قطره آن یک گرم وزن دارد به مقدار ۰.۰ تا ۳ گرم و تنطوری مرکب آن یعنی الیکسیر دولونگ وی E. de Longue vie، به مقدار ۰ تا ۲ گرم مصرف می‌شود. تنطوری اخیر به عنوان مقوی معده و مسهل نیز می‌تواند به کار رود.

نسخه برای دفع کرمک اطفال

صبر زرد	۰.۵ تا یک گرم
زرده تخم مرغ	یک عدد
آب نیم گرم	۰.۵ تا ۱.۰ گرم

مخلوط فوق را پس از همزدن و بکنواخت کردن، به صورت تنقیه باید مورد استفاده قرار داد.

۲- نسخه تقویت کننده و هضم کننده با اثر مسهلی

صبرزرد	۱۰ گرم
عصاره کنکینای قرمز	۵ »
دارچین	۲ »

عسل به مقدار کافی جهت تهیه ۱۰۰ حب مقدار مصرف آن، یک یا دو حب قبل از غذاست. هیچیک از گیاهان مولد صبر زرد در ایران نمی‌رویند.

* *Urginea Scilla* Steinh.

Scilla maritima L. ، *Urginea maritima* Baker

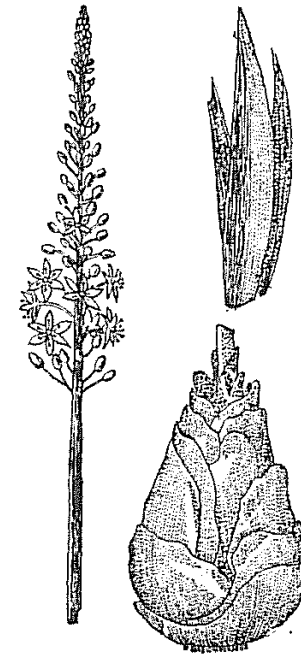
فرانسه : Scille officinale ، Scille vraie ، Scille maritime ، Squille

انگلیسی : Squill ، Squill - Medicinal ، Sea - onion ایتالیایی : Squilla

آلمانی : Meerzwiebel عربی : خریف (kharif) ، عنصل ، بصل الفار

گیاهی است زیبا و دارای پیاز بزرگ و حجیم که در شنزارهای سواحل دریاها مخصوصاً

دریای مدیترانه، آفریقای شمالی، سیسیل، کورس و غیره می‌روید. از مشخصات آن این است که قسمتی از پیاز حجیم آن، در داخل خاک و قسمتی دیگر معمولاً خارج از آن قرار دارد. از ناحیه وسطای قسمت اخیر نیز پس از پژمرده شدن برگها و در فاصله ماههای تیر و مرداد، ساقه سولد گل که منتهی به مجموعه‌ای از گل‌های کوچک و زیبای گرد، خارج می‌شود. گلها متناسب مشخصات محل رویش، رنگ سفید یا سفید سایل به خاکستری دارند و بطور فشرده نیز در طول محور گل و در قسمت انتهائی آن، به صورت خوشه‌دراز، ظاهر می‌شوند. هر گل آن دارای پوششی مرکب از



ش ۱۴۳ - *Urginea Scilla* : گل‌آذین - برگ و پیاز

۶ قطعه بیضوی است و درون آن، ۶ پرچم با سبک مدور و مادگی محتوی ۱۰ تا ۱۲ تخمک جای دارد. میوه‌اش پوشینه، به رنگ قهوه‌ای زیتونی، دارای ۳ خانه و محتوی ۳ یا ۴ دانه گرد و تیره رنگ در هر خانه است. برگهای این گیاه که در بیمار پدید می‌آیند، ظاهر دراز با کناره صاف و منتهی به نوک تیز دارند و قسمت فشرده‌ای را نیز در قسمت انتهائی پیاز بوجود می‌آورند. قسمت مورد استفاده این گیاه پیاز آن است.

پیاز سیل - جثه بزرگ و حجیم دارد. طول آن ۸ تا ۲ و قطر آن در حدود ۱۰ سانتیمتر است. وزن بعضی از آنها نیز به ۳ کیلوگرم، حتی بیشتر بالغ می‌شود. زمان جمع‌آوری پیاز سیل جهت مصارف داروئی، فصل پاییز است.

پیاز سیل مرکب از فلسهائی است که قسمت خارجی آن (فلسه‌های خارجی) غیر قابل استفاده می‌باشد بطوری که منحصراً قسمت وسطای آن به مصارف داروئی می‌رسد. معمولاً پس از خارج کردن پیاز سیل از درون زمین، فلسه‌های خارجی آنها را برمی‌دارند و سپس بقیه را به وسیله تیغهای تیز به صورت نوارهای باریک و دراز در می‌آوردند تا باین عمل، قطعات نازک حاصل، به سهولت خشک شود. برای خشک کردن آنها از اتو یا از گرمای خورشید استفاده می‌کنند. قطعات نازک و خشک شده پیاز سیل را باید در محل عاری از رطوبت نگهداشت زیرا در غیر اینصورت، جذب آب کرده به یکدیگر می‌چسبند. این نوارها، رنگ‌گلی یا سایل به زرد دارند. طول آنها ۳ تا ۶ و عرض آنها ۰.۵ تا یک سانتیمتر است. معمولاً به حالت تازه قابلیت انعطاف دارند ولی پس از خشک شدن کامل، شکننده می‌شوند. طعم آنها تند و تلخ ولی اصولاً فاقد بو می‌باشند. دو وارینه از این گیاه وجود دارد که یکی دارای پیازی به رنگ قرمز است و در الجزیره کاشته می‌شود. دیگری رنگ سفید دارد و در سیسیل و مالت پرورش می‌یابد. هر دو وارینه مذکور در بازار تجارت، دارای ارزش برابر اند ولی در انگلستان بیشتر وارینه اخیر مورد توجه می‌باشد.

قر کیمیات شیمیائی - با آنکه ترکیب شیمیائی پیاز سیل مورد مطالعه عدیده قرار گرفته معیناً هنوز کلیه مواد موجود آن بطور کامل مشخص نگردیده است.

یکی از دانشمندان به نام Merck در سال ۱۸۷۹ موفق به بدست آوردن ۳ ماده به اساسی سیلی پیکرین *scillipicrine*، سیلین *scilline* و سیلی توکسین *scillitoxine* شد که سوادای با واکنش گلوکزیدی هستند و تا قبل از مطالعات سهم دانشمند دیگری به نام Stoll، به صورت سواد اساسی و مؤثر پیاز سیل مورد قبول همه قرار گرفته بودند.

سیلی پیکرین، ماده‌ای است بسیار تلخ و محلول در آب که به صورت گردی آسرف به رنگ زرد روشن از گیاه به دست آمده است.

سیلی توکسین، ماده‌ای است بسیار تلخ و غیر محلول در آب ولی محلول در الکل که به صورت گرد آسرف، به رنگ قهوه‌ای دارچینی از گیاه به دست آمده و از سواد مؤثر پیاز سیل ذکر شده است.

سیلین، ماده‌ای متبلور، محلول در الکل ولی فاقد اثر فیزیولوژیکی است.

کلید سواد دیگری که به اساسی سیلارین ، سیلی نین ، سیلی مارین ، سیلی تین و غیره در پیاز سیل ذکر گردیده اند از ترکیباتی هستند که کم و بیش به سواد مذکور در بالا شباهت دارند.

Stuer و Stoll در فاصله سالهای ۱۹۲۲ و ۱۹۳۳، تحقیقات ارزنده و دقیقی به عمل آوردند و ماده‌ای از پیاز سیل به نام سیلارین Scillarène به دست آوردند که شامل گلوکزیدهای پیاز سیل بود. از این ماده، سیلارن A و سیلارن B که مخلوط طبیعی آنها، سیلارن C نامیده می‌شود، جدا گردید.

سیلارن A به فرمول $C_{26}H_{52}O_{13}$ و ماده‌ای است که طعم تلخ دارد و به دو صورت، یکی منشوری شکل و دیگری بشکل ورقه‌های ریز در متانول متبلور می‌شود. در حالت اول در گرمای ۱۸۴ - ۱۸۶ ولی در حالت دوم در حرارت ۲۰۸ - ۲۱۱ درجه ذوب می‌گردد. سیلارن A، به اشکال در آب و الکل اتیلیک خالص ولی به سهولت در الکل رقیق و در ۸۰ قسمت الکل متیلیک حل می‌شود. در کلروفورم و اتر حل نمی‌گردد. از هیدرولیز سیلارن A، ماده‌ای به نام سیلاریدین A به فرمول $C_{14}H_{22}O_6$ (Planchon, p. 330) و نوعی قند به نام سیلایبیوز scillabiose به فرمول $C_{13}H_{22}O_6$ حاصل می‌شود. از هیدرولیز ماده اخیر، به اشکال، قندهای گلوکز و رامنوز نتیجه می‌گردد.

تعیین مشخصات و فرمول گسترده سیلارن A توسط Stoll و همکارانش انجام گرفته گرفته است (۱).

سیلارن B، ماده‌ای به صورت ذرات ریز، آسرف، بی‌بو و دارای طعم بسیار تلخ است. در کلروفورم به مقدار کم ولی در الکل اتیلیک، متیلیک و مخصوصاً در آب به مقدار زیاد محلول است. در اتر حل نمی‌گردد. هیدرولیز آن بشکل تراز سیلارن A صورت می‌گیرد. سیلارن B را مخلوطی از دو گلوکزید می‌دانند.

سیلارن C، مخلوط طبیعی دو گلوکزید مذکور و ماده‌ای است بدون بو و با طعم بسیار تلخ که به صورت گرد سفید رنگ به دست می‌آید. به مقدار زیاد در الکل اتیلیک و متیلیک ولی به مقدار کم در آب و کلروفورم حل می‌شود. در اتر حل نمی‌گردد.

بررسی‌های اخیر که در سال ۱۹۴۰ توسط Stoll و Renz صورت گرفت، وجود هتروزید جدیدی به نام سیلی روزید Scilliroside به فرمول $C_{26}H_{52}O_{13}$ را در پیاز سیل محقق داشت (۲). تعیین فرمول گسترده آن نیز توسط Stoll و همکارانش، همچنین محققین دیگر

1 - Stoll et al., Z. Physiol. Chem. 222 (1933).

2 - Stoll Renz, Helv. Chem. Acta 25, 43 (1942).

انجام گرفته است (۱).

سیلی روزید، به صورت بلورهای منشوری دراز، در متانول رقیق به دست می‌آید. در اتیلن گلیکول، dioxane و اسید استیک گلاسیال به مقدار زیاد ولی در آب، اسن و کلروفورم به مقدار جزئی محلول است. عملاً در اتر و اتروپنول غیر محلول می‌باشد.

در پیاز سیل، علاوه بر آنچه که ذکر شد، سواد دیگری نظیر لیپیدها، دو استرول، کولین و یک هیدرات کربن که بتفاوت به نامهای سی نینس ترین sinistrine و سیلین scilline نامیده شدند، یافت می‌گردد.

خواص درمانی - پیاز سیل، اثر تحریک کننده بر روی پوست بدن دارد و اگر بر روی آن اثر داده شود، ابتدا تولید قرمزی و بعداً حتی تاویل می‌کند. تأثیر آن بر روی مخاطهای بدن، شدیدتر است.

فرآورده‌های سیل دارای اثر مقوی قلب و سدر می‌باشند. با مصرف آنها نه تنها مقدار ادرار بلکه اوره آن نیز افزایش می‌یابد (Pic و Bonnamour). بطور خلاصه می‌توان گفت که اثر پیاز سیل تقریباً مشابه دیژیتال است و می‌توان آن را به جای دیژیتال در مواردی که مصرف داروی اخیر به علت جمع شدن در بدن، قطع می‌شود و یا بیمار تحمل فرآورده‌های دیژیتال را ندارد، مصرف کرد. فرآورده‌های سیل برعکس دیژیتال در بدن جمع نمی‌گردد ولی طبق تحقیقاتی که به عمل آمده است، سیلارن به مقدار جزئی سمکن است در ماهیچه قلب اندوخته شود.

در موارد آب آوردن انساج، استسقاءها مخصوصاً استسقای منشاء قلبی که مصرف دیژیتال به تعویق افتاده باشد، آن را به کار می‌برند بعلاوه به علت دارا بودن اثر خلط آور، در برونشیتها و همچنین برای درمان سیاه سرفه مصرف می‌شود.

در موارد استفاده از فرآورده‌های سیل در درمان بیماریها، هشواره باید به این نکته توجه گردد که این دارو برای بیماران مبتلا به ناراحتی‌های کلیه یا ناراحتیهای معده و روده، تجویز نشود.

گرد سیل که به کمک آرد و پیه خوک به صورت خمیر درآمده باشد برای از بین بردن شوش سورد استفاده قرار می‌گیرد.

صور دارویی - گرد پیاز خشک شده سیل به مقدار ۱۰ ر. تا ۸۰ ر. گرم (به دفعات ۱۰ ر. تا ۲۰ ر. گرمی) به شکل کاشه یا حب (برای اطفال ۱۰ ر. گرم بر حسب هریک از سنین عمر) - عصاره الکلی به مقدار ۵ ر. تا ۴۰ ر. گرم به صورت حب یا مخلوط در پوسیونها (هر گرم عصاره

1 - Stoll et al., Helv. Chim. Acta 26, 648 (1943).

برابر ۲۸۰ گرم گرد پیازسیل است)۔ تنطور الکلی ۱/۰ که هر ۵۶ قطره آن یک گرم وزن دارد، به مقدار ۵۰ ر. تا ۴ گرم در روز مخلوط در یک پوسین (برای اطفال به مقدار ۵ قطره بر حسب هریک از سنین عمر)۔ شراب سیل ساده (کدکس ۸-۴ هر ۲ گرم آن برابر ۲۰۰ گرم پیازسیل است) به مقدار ۵ تا ۱۰ گرم۔ شراب سیل مرکب که هر ۲ گرم آن برابر ۰۷ ر. گرم سیل است به مقدار ۴ تا ۲۰۰ گرم (برای اطفال به مقدار ۲ تا ۵ گرم بر حسب هریک از سنین عمر)۔ شراب تروسو Vin Trousseau که هر ۲۰ گرم آن برابر ۱۰ ر. گرم دیژیتال و ۳۰ ر. گرم سیل است، به مقدار ۱۰ تا ۶۰ گرم در روز برای اشخاص بالغ مصرف می شود.

این گیاه در ایران نمی روید.

۱- نسخه برای درمان ذات الجنب اطفال

تنطورسیل	۱۰ قطره
» دیژیتال	» ۱۰
اکسی سل سیل (Oxymel)	۱۰ گرم
هیدرولای تیول	» ۱۰۰

به مقدار یک قاشق قهوه خوری در هر نیم ساعت .

برای تهیه اکسی سل که یکی از سواد نسخه مذکور است، به شرح زیر عمل می شود: مقدار ۱۰۰ گرم از قطعات خشک شده پیازسیل را در ۲۰۰ گرم اسید استیک کریستالیزابل و ۹۸ گرم سرکه سفید، به مدت ۸ روز می خیسانند و بعداً آنرا صاف می کنند. مایعی با این عمل به دست می آید که رنگ سایل به زرد و طعم تلخ و اسیدی دارد و سرکه سیل نامیده می شود. سپس سرکه سیل را با چهار برابر وزنش عسل به خوبی مخلوط می کنند و مخلوط حاصل، اکسی سل سیل نامیده می شود که در فرمول نسخه مذکور وارد است.

۲- نسخه جهت درمان استسقاء

عصاره سیل	یک گرم
گرد سیل	» ۵۰ ر.

برای یک حب و به تعداد ۲ تا ۴ حب در روز .

۳- نسخه جهت ازدیاد ادرار

گرد سیل	۰.۵ گرم
» دیژیتال	» ۰.۵
رزین اسکاسونه	» ۰.۵

برای یک حب و به تعداد ۳ حب در روز به عنوان مدر .

۴- نسخه جهت تهیه داروی خلط آور

گرد سیل	۱۰ گرم
ایپکا	» ۱۰
عصاره بلادون	» ۲
پوردو کاکائو	» ۱۵
شربت صنع	بمقدار کافی

برای تهیه حب هائی به وزن ۱۰ ر. گرم و به تعداد ۲ عدد در روز (صبح و شب) جهت درمان نزله سزم (Bouch).

Allium sativum L.

فرانسه : Ail ، Ail commun ، Ail cultivé ، Thériaque des pauvres
انگلیسی : Garlic ، Poor - man's treacle ، آلمانی : Knoblauch ایتالیائی : Aglio
فارسی : پییر - عربی : ثوم (Thawm)

گیاهی علفی و دارای ساقه ای به ارتفاع ۲۰ تا ۴۰ سانتیمتر و حی بیشتر است. بولب آن که قسمت متورم و زیرزمینی گیاه را تشکیل می دهد، مرکب از ۱ قطعه متورم، محصور در غشاهای نازک و ظریف، به رنگ خاکستری مایل به سفید است. برگهائی باریک و گلپهائی به رنگ سفید چرک، سنقوش به لکه های کوچک و قرمز رنگ دارد. از مشخصات برگهائی آن این است که اولاً وضع آویخته از ناحیه غلاف دارند و ثانیاً پهنک برگهائی آن طویل و منتهی به غلاف درازی است که قسمت زیادی از ساقه را فرا می گیرد و به علاوه، غلاف برگهائی آن یکدیگر را می پوشانند. مجموعه گلپهائی گیاه نیز همراه با برجستگیهای کوچک، در رأس دنگل درازی، به تعداد کم با ظاهر گل آذین چترمانند ظاهر می شود. برا کته متورم و منتهی به رأس باریک و درازی نیز، مجموعه گلپه را فراسی گیرد که نازک و غشائی است. حالات غیرطبیعی مختلفی در این گیاه وجود دارد که یکی از آنها بولب مرکب از ۳ برجستگی متورم است.

از این گیاه دو وارینه وجود دارد که یکی از آنها دارای گلپهائی سفید و دیگری با گلپهائی گلی رنگ و بولب مرکب از قطعات زیاد ولی با حجم کمتر از وارینه سفید است. وارینه سفید از نظر پرورش، بیشتر مورد توجه است.

قسمت مورد استفاده این گیاه، برگ و مخصوصاً قطعات بولب آن است.

ترکیبات شیمیائی - در پارانثیم قطعات متورم سیر، وجود یک گلوکوزید سولفور کد بر اثر هیدرولیز به اسانس مخصوص سیر و لولیز تبدیل می شود و همچنین یک فرمان هیدرولیز -

کننده توسط Mille Braecker در سال ۱۹۲۱ محقق گردید. فرمان مذکور در سلول‌های غلاف آندودرمی اطراف دسته‌های آوندی متمرکز است به‌علاوه در سیر ویتامین B₆ وجود دارد. از مواد موثر سیر باید آلی‌تین Alline، آلی‌سین Ajoene، Alicine را نام برد. اسانس سیر که از تقطیر آن تحت اثر بخار آب حاصل می‌شود، مرکب از سولفورها و پلی‌سولفورهای ونیل P. de Venyle، آلیل و آلیل پروپیل است. دانشمندی به نام Hoppe



ش ۱-۴ - چند نوع Allium : ۱ - A. sphaerocarpum ۲ - A. cepa ۳ - A. sativum
۴ - گل آذین‌گیاه اخیر

در سال ۱۹۳۳، علاوه بر آنچه ذکر شد، ماده‌ای به‌صورت بلورهای سفیدرنگ از آن به‌دست آورد که فاقد گوگرد ولی دارای اختصاصات الکلونیدها بود. اسانس سیر که به‌مقدار ۰.۶ گرم از

هر ۱۰۰ کیلوگرم سیر به‌دست می‌آید، مایعی به‌رنگ قرمز نارنجی تا قهوه‌ای مایل به‌زرد و به وزن مخصوصی برابر ۱.۰۴ تا ۱.۰۵ است و اگر تصفیه‌گردد، به‌صورت بیرنگ و دارای بوی کم در می‌آید.

اسانس سیر در غالب روغن‌های ثابت و روغن‌های معدنی حل می‌شود. در گلیسرین و پروپیلین گلیکول غیر محلول است.

اسانس سیر را باید در ظروف در بسته به‌حالت مملو، و در صورت امکان در ظروف شیشه‌ای یا آلومینوسی، در محل خنک و دور از نور نگهداری کرد.

از اسانس سیر برای مطبوع کردن و تغییر طعم اغذیه در صنایع غذایی استفاده بعمل می‌آورند.

خواص درمانی - سیر علاوه بر آنکه به‌حالت خام یا پخته، مخلوط در اغذیه مصرف می‌شود، مصارف درمانی عدیده مخصوصاً در طب عوام دارد.

سیر، اثر ضد عفونی‌کننده، ضد باکتری، هضم‌کننده غذا، اشتها آور، صفرا بر، خلط‌آور، نیرو دهنده، دفع کرم و کم‌کننده فشارخون دارد. احتمالاً برای آن اثر ضد سرطان و معالجه بیماری قند نیز قائل‌اند. در استعمال خارج، اثر از بین برنده التهاب و التیام دهنده زخم جراحات دارد.

اثر ضد عفونی‌کننده و ضد باکتری سیر مربوط به‌الدئید الیلیک یا آکروئین Acroleine است. که به‌نسبت یک ده میلیونیم، اثر ضد باکتری دارد ولی تقریباً فاقد سمیت برای پستانداران می‌باشد (Lewin). از این نظر است که در طب عوام قطعات سیر را له کرده و آن را در اماکنی که بیمار مبتلا به‌امراض واگیردار به‌سر می‌برد، پخش می‌کنند. در زمانهای قدیم نیز از سیر به‌همین منظور برای پیشگیری از آلوده شدن اماکن به‌سیکروب بیماریهای ویا، تیفوس، حصبه و غیره استفاده می‌کردند و حتی بطوری که یکی از اطبای قدیم به‌نام Dr. Vigouroux توصیه نموده بود، سیر را در سق شیوع بیماریهای واگیردار، روزانه بر روی نان می‌سایندند و یا آن را در سالاد وارد کرده مصرف می‌نمودند. از سیر بطوری که Forestier و Loepper در ۱۹۲۱ بررسی کردند نه تنها در معالجه غائقرایای ریوی نتایج خوب به‌دست آمد، بلکه آنرا در رفع بیماریهای دیگر ریه و درمان سل روده نیز مؤثر مشاهده کردند. سیر در دستگاه هضم نیز یک اثر ضد عفونی‌کننده قاطع ظاهر می‌کند. بررسی‌های L. Kroeber نشان داد که از سیر نتایج بسیار خوب در رفع اسهالهای ساده، دیسانتری، ورم روده منشاء عصبی، قولنج‌ها، سوء هضم و عوارض آن از قبیل احساس سنگینی و چنگ‌زدگی در معده و همچنین اتساع معده به‌دست می‌آید و حتی عده‌ای معتقدند که در سوء هضم‌های زمان یائسگی نیز اثر مفید از آن ظاهر می‌گردد. در مقابل این همه اثرات مفید درمانی

هنوز هیچ گونه دلیل علمی قانع کننده‌ای وجود ندارد تا اثرات درمانی مذکور را بدان نسبت دهند. فقط Kretschmer در این مورد، اثرات هضمی سیر را مربوط به ترشح صفرا می‌داند که ماده ذکر شده، سوچبات آن را در بدن فراهم می‌سازد.

سیر در پائین آوردن فشار خون تاثیر می‌نماید زیرا مصرف آن موجب اتساع شرائین و سویرگها می‌شود و به نظر می‌رسد که بر روی حرکات و انقباضات قلب نیز اثر سفید ظاهر کند (P. Guilbon در سال ۱۹۳۰). بررسی‌های دانشمندی به نام W. Ripperger (در سال ۱۹۳۷) نشان داد که بسیاری از سالخورده‌گان، سیر را به منظور پائین آوردن فشارخون و رفع تصلب شرائین که سوچبات طول عمر را فراهم می‌سازد، مصرف می‌کنند. در دنباله این بررسی‌ها J. Seitz اعلام داشت که اثر کم‌کنندگی فشار خون که مصرف سیر فراهم می‌آورد، بهتر و مداوم‌تر از غالب داروهای شیمیایی است. سیر طبق اظهارات A. Lorand (در سال ۱۹۳۳) دارای اثر سفید در پیشگیری از بروز سرطان است و با مصرف آن، ضد عفونی روده‌ها و زیاد شدن ترشحات صفرا تأمین می‌شود. یکی از دلایل خاصیت پیشگیری از سرطان به وسیله سیر، نادر بودن این بیماری در چین است که در آنجا سیر بیش از سایر کشورها مصرف می‌شود.

سیر به علت مدر بودن، در رفع آب آوردن انساج و معالجه استسقاء سوئر است و از قدیم - الایام از این اختصاص درمانی سیر استفاده به عمل می‌آمده است مانند آنکه Gazin، شیره - سیر را برای منظور فوق به صورت مخلوط در شراب تجویز می‌نموده است.

Meyer (در سال ۱۹۳۰)، برای اثر رفع سمومیت نیکوتین قائل بود زیرا معتقد بود که با مصرف آن، تسکینی در ناراحتیهای ناشی از اثر نیکوتین در عروق و رفع اختلالات قلبی و هضمی در معتادین ظاهر می‌شود.

سیر، به سهولت کربک را دفع می‌کند (E. Roos) ویا آنکه عده‌ای آن را در دفع اسکاریس چندان موثر نمی‌دانند، معینا بعضی دیگر منجمله Dr. H. Leclerc، آن را در دفع این کرم نیز بسیار موثر دانسته‌اند.

در استعمال خارج، دارای اثر ضد عفونی کننده است و می‌تواند در پانسمان زخمهای غانقرایی و رفع زخمهای چرکین و همچنین التیام زخمها، مورد استفاده قرار گیرد. ضمناً در سواردی که دسترسی به ضام خردل نباشد، می‌توان چند عدد سیر را له کرده بر روی نواری از پارچه گسترانید و آن را جهت ایجاد قرسی در پوست بدن به کار برد. در طب عوام، له شده سیر را با روغن یا چربی مخلوط کرده بر روی توبورهای سرد، می‌خچه پا و یا در نقاطی از بدن، جهت رفع دردهای عصبی و رساتیسمی اثر می‌دهند ولی در این گونه سوارد همواره باید توجه گردد که تأثیر

آن در سطح بدن ادامه پیدا نکند زیرا ممکن است ایجاد تحریک در پوست بدن و حتی تاول نماید. از روش‌های درمانی سیر در معالجه آرتریسم و رساتیسسم مفصلی آنست که چند قطعه پوست کنده سیر را له کرده در محل دردناک بر روی پوست بدن اثر می‌دهند و پس از چند ساعت، ضام مذکور را برداشته، خمیری از خاک رس تمیز بر روی آن قرار می‌دهند و با پارچه‌ای آنرا می‌بندند تا حالت تحریک و درد ناحیه مذکور برطرف شود.

از معایب مصرف سیر، بوی ناپسند آن است که به سرعت از راه ریه دفع می‌گردد. بوی بد سیر را می‌توان با چند قطره اسانس آنزلیک رفع نمود و یا نیم ساعت پس از مصرف آن، یک عدد سیب رنده شده و یا یک قاشق عسل خورد و یا آنکه برگ جعفری جوید. در سواردی که تحریکی در دستگاه هضم وجود داشته باشد باید از مصرف سیر خودداری کرد.

زیاده روی در مصرف سیر بطوری که Ray در سال ۱۷۰۴ بررسی کرده علاوه بر آنکه باعث می‌گردد که بوی بد آن مدتی مداوم باقی بماند، سوچبات پیدایش سردرد، تشنگی زیاد، ضعف بینائی و حالات ناراحت کننده دیگر را فراهم می‌کند. تنقیه آن در اطفال نه تنها موجب ایجاد تحریک مخاط روده می‌شود بلکه بر اثر جذب سواد سوئر آن از راه روده، ناراحتی‌های دیگر نیز ممکن است بوجود آید.

در بررسی‌های بعضی کتب جدید که بیشتر مبنای طب سنتی دارند، گیاهان مختلف منجمله سیر، در تسکین حالات یحرائی آسم، سوئر ذکر شده‌اند. از بین این گیاهان به شرح انواع موجود در ایران و نمونه‌هایی که در دسترس قرار دارند اکتفا شده است (Ouensanga).

۱- چند قطعه سیر راله کرده در ۳۰ میلی لیتر الکل ۹۰ درجه به خیسانید و در هنگام بجران آسم، یک قطعه قند را در خیسانده مذکور وارد کرده به سلامت بمکید.

۲- تعداد ۷ تا ۱۲ عدد گل انار را در مقدار کافی آب بجوشانید و از محلول صاف شده حاصل، بمقدار ۳ فنجان در روز مصرف نمائید.

۳- مقدار ۳ گرم از نوعی فریون به نام *Euphorbia hirta* را در ۲ لیتر آب بجوشانید به حدی که سایع، به یک لیتر تقلیل یابد. مقدار مصرف این جوشانده، یک لیوان در هر دفعه و ۳ مرتبه در روز است.

۴- مقداری دانه بوداده نارنج را به خوبی له کنید و در مقدار کافی آب جوش (پس از افزودن کمی نمک به له شده مذکور) وارد کرده، دم نمائید. مصرف این دم کرده، معادل یک فنجان در صبح ناشتا و به مدت ۸ روز است.

۵- مقدار ۲ گرم ریشه جعفری را در یک لیتر آب بجوشانید و به آن کمی نمک اضافه

کنید. این جوشانده را هنگام صبح و شب باید مصرف کرد.

۶- مقدار یک تا ۳ قاشق غذاخوری روغن کرچک را در دم کرده بابونه حل کنید و هنگام بروز حالات بحرانی آسم، ۱ تا ۲ فنجان از آن را مصرف نمایید.

صورداروئی - جوشانده ۸ تا ۳ گرم سیر در یک لیتر آب یا شیر- شربت سیر که از ۱۰ گرم آن و ۲ گرم آب و ۲ گرم قند به دست می آید، به مقدار ۲ تا ۳ قاشق سوپخوری در روز- تنطوره ۱/۰ و الکلاتور آن جهت ضد عفونی کردن دستگاه تنفسی به مقدار ۱۰ تا ۶ قطره در روز (در ۲ یا ۳ دفعه مخلوط در آب قند) و به مقدار ۳ قطره در روز به مدت ۳ الی ۴ روز و نکرار آن برای ۳ مرتبه در هر ماه، جهت پائین آمدن فشار خون و یا به صورت تزریقات درون عضله ای که در مورد اخیر، محلولات روغنی محتوی ۲ ر. گرم اسانس سیر در هر سانتیمتر مکعب، در هر روز و یا در هر ۲ روز یکدفعه به کار می رود ولی در هر حال نباید بیش از ۵ تزریق از آنرا به عمل آورد.

سیر در غالب نواحی پرورش می یابد.

Allium cepa L.

فرانسه: Oignon ، Oignon انگلیسی: Onion آلمانی: Zwiebel ایتالیایی: Cipolla

فارسی: پیاز - عربی: بصل (Bassal)

گیاهی به ارتفاع ۶ ر. تا یک متر و دارای پیاز بزرگ، متورم و خوراکی، سرکب از لایه های متکی بر یکدیگر است. از مشخصات آن این است که برگهای استوانه ای، نولک تیز، توخالی، به رنگ سبز غبارآلود و واقع در ۲ ردیف در قاعده دارد. گلهای آن که در فاصله خرداد تا پائیز ظاهر می گردند، به رنگ سفید یا سفید مایل به سبز و یا گلی مایل به بنفش و مجتمع به صورت چتری بزرگ با منظره کروی می باشند. حالات غیرطبیعی مختلفی منجمله وجود پیازهای متعدد و منطبق و یا پیازچه هائی در مجاور پیاز اصلی و غیره نیز در آن دیده می شود.

گرچه پرورش پیاز امروزه در غالب نواحی معمول است ولی به نظر می رسد که منشأ گیاه، در ایران، بلوچستان و افغانستان بوده و از آنجا به سایر مناطق نفوذ پیدا کرده است. مصرف پیاز از زمان سابق تاریخ و پرورش آن با توسعه زیاد در مصر و کلدیه معمول بوده است. پیاز در نزد مصریان، احترام مذهبی خاص داشته و در آنجا نمونه هائی با بولب درشت و طعم ملایم وجود داشته که پرورش مداوم می یافته و غذای اهالی را تشکیل می داده است. یونانیان آنرا از زمان هم (Homère) می شناخته اند و رومیان آن را زیاد مصرف می کرده اند. پیاز در تمام دوران فوق، برای مصارف مشابه مورد استفاده قرار می گرفته است.

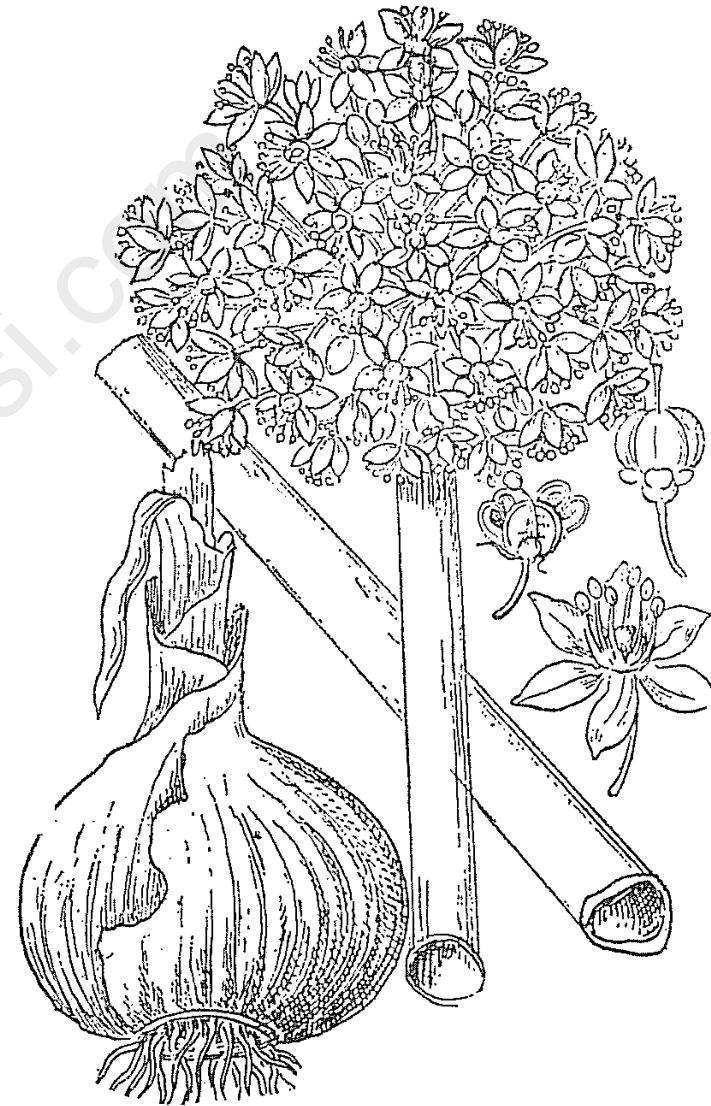
ترکیبات شیمیائی - پیاز دارای اسانسی است که بر اثر پختن از بین می رود. اثر درمانی آن نیز مربوط به ترکیبات گوگرددار و ویتامین های آن است، به علاوه، پیاز دارای نوعی انسولین گیاهی به نام گلوکوکینین Glucokinine به مقدار ۱۰ تا ۱۱ درصد، قند غیر قابل تبور، ساکارزیا مالتوز، اسید سیتریک، فسفات کلسیم، صمغ، اسلح سدیم و پتاسیم، اینولین، کوئرستین Quercétine، سوم و برگ گیاه دارای مقداری قند و آنزیم های مختلف مانند آمیلاز، دکستریناز، مالتاز و امولسین است.

خواص درمانی - پیاز غذای سالمی است که تقریباً غالب اختصاصات سیر را به وضع مشابه دارد مانند آنکه بحرك، مدر، ضد اسکوربوت (به علت داشتن ویتامین C فراوان)، ضد گرم، معالج بیماری قند و در استعمال خارج اثر ضد عفونی کننده (سیکرب کش) دارد. مصارف درمانی پیاز نیز برحسب آنکه خام یا پخته باشد بایکدیگر متفاوت است. پیازهای شیرین و دارای طعم ملایم، در بعضی نواحی غذای اهالی را تشکیل می دهد. نوع تند آن بیشتر برای مصارف درمانی اختصاص داده می شود و یا به صورت پخته در اغذیه مصرف می گردد.

پیاز خام - برای کسانی که معده فعال و سالم داشته باشند، غذای بسیار مناسبی است ولی طبق نظر Cazin اگر حساسیت در مقابل مصرف پیاز در بین باشد و یا افرادی سابقه خونروی و یا ناراحتی های پوستی نظیر سودا و غیره داشته باشند، بهتر است از مصرف آن خودداری گردد. اگر پیاز به ملایمت پخته شود و به آن تدریجاً کره افزوده گردد، در رفع یبوست و نفخ می تواند مفید واقع شود و حتی معتقدند که پیاز پخته می تواند حالات عصبی را کاهش دهد و تصلب شرائین را درمان کند. پیاز خام، فعالیت معدی را زیاد می کند ولی در عین حال، اسیدیته شیره معدی را نیز بالا می برد. در نتیجه، در سواردی که اسیدیته شیره معدی کم باشد، مفید واقع می گردد در غیر این صورت و همچنین در سواردی که شخص، مبتلا به Pyrosis باشد که ترشحات معده بالا آمده ایجاد ناراحتی و سوزش در لوله سری می نماید و یا در کسانی که سرتبا آروغ می زنند و یا ناراحتی های پوستی دارند، از خوردن آن باید خودداری شود.

پیاز اثر بدر دارد و چون این خاصیت آن مربوط به عمل دیاستازها مخصوصاً اکسیدازها می باشد، از این جهت یا باید به حالت خام مصرف گردد و یا خیلی سطحی پخته شده باشد. یک دوره درمانی پیاز می تواند آب آوردن انساج، خیز عمومی بدن، استسقاء و حتی رساتیسیم را تا حدی معالجه کند مشروط بر آنکه ناراحتی های کبدی و حالات التهابی وجود نداشته باشد.

W. Bohn، شیره پیاز را از داروهای دفع کننده سنگ کلیه ذکر نموده و این خاصیت پیاز را در سال ۱۹۳۷ به همه اعلام داشت. مصرف پیاز، آلبومن ادرار را کاهش می دهد. تشمع



ش ۵۰۱ - Allium cepa : پیاز، ساقه توخالی و گل آذین (به اندازه‌های طبیعی)
تسمتهای مختلف گل

و سرطان کبدی، ورم ماهیچه دل و ذات‌الجنب را از وضع و خیم خارج می‌سازد. بررسی‌های دیگر نشان داد که در بیماری Anasarque که مایع (سروزیتة) در بافت زیر جلدی جمع می‌گردد، اگر به بیمار اختصاصاً پیاز خام داده شود و به‌عنوان غذا نیز، سوپ آن با شیر تجویز گردد. این بیماری حتی اگر منشاء آن Mal de Bright باشد معالجه می‌شود (Serre).

پیاز پخته، نرم کننده و برطرف کننده ناراحتی‌های عادی سینه است. با پختن ورقه‌های نازک پیاز در شیر، می‌توان از آن، جهت رفع دل‌دردها (Coliques) و بطور کلی احساس ناراحتی در شکم استفاده به عمل آورد. جوشانده پیاز در عسل، جهت رفع عارضه عدم دفع ادرار توصیه گردیده است (Kniepp و Seb).

مصرف مداوم پیاز پخته در عین حال که ترشحات دستگاه هضم را منظم می‌کند، اشتها را زیاد و ناراحتی‌های ناشی از نفخ و دل‌درد را درمان می‌نماید. برای رفع نفخ، تنطوری پیاز به مقدار ۱ تا ۱ قطره ۳ یا ۳ بار در روز، مفیدتر از سایر صور دارویی آن ذکر شده است. در نزله‌های برونش و حبابهای ریوی، پیاز اثر درمانی در هر ۲ حالت حاد و مزمن دارد به‌علاوه آنژین و سرفه را معالجه می‌کند.

شربت پیاز، بطور محسوس اثر مفید در رفع دردهای عصبی ظاهر می‌سازد (Eckstein و Flamm).

بررسی‌های جدید نشان داد که پیاز اثر کم کننده فشارخون دارد بطوری که توسط Laurin و Janot در سال ۱۹۳۰ بر روی سگ آزمایش گردیده، قطعیت آن به اثبات رسیده است یعنی در واقع پیاز مقدار درصد قند خون را پائین می‌آورد.

در استعمال خارج، له شده پیاز از قدیم‌الایام جهت رفع حبس البول (عدم دفع ادرار)، در زیر شکم اثر داده می‌شد. شیره پیاز اثر بسیار خوب در تسکین ناراحتی‌های ناشی از بریدگی‌ها دارد (W. Bohn). ضماد پیاز خام له شده، اگر در ناحیه پیشانی قرار داده شود، سردرد و سردردهای یکطرفه (میگرن Migraine) را کمی مرتفع می‌سازد. با قراردادن پیاز نیمه پخته در محل سوختگی‌ها و بواسیر، اثر آرام کننده ظاهر می‌گردد و اگر بحالت گرم در اطراف گردن اتر داده شود، درد گلو را تسکین می‌دهد.

پیاز پخته شده در درون خاکستر گرم، اگر بر روی آبسه قرار گیرد و یا بر روی دسل اثر داده شود، موجب سرباز کردن آنها خواهد شد. مخلوط آن با چربی پرندگان باعث درمان سرمازدگی و خراشهای سطحی بدن می‌گردد. جوشانده پیاز، برای پانسمان زخماهای چرکین بسیار خوب است. پنبه آلوده به شیره تازه پیاز اگر در مجرای گوش قرار داده شود، ناراحتی ناشی از

احساس صداهای مبهم در گوش را برطرف می کند به علاوه اگر در محل گزش زنبور یا زنبور عسل قرار گیرد، درد را بطور محسوس تسکین می دهد.

پیاز، اثر مفید در رفع چین و چروک صورت ظاهر می کند. برای اینکار تعداد ۳ عدد پیاز را با هم وزن آن پیاز نوعی سوسن به نام *Hymero callis arnicola* ، رنده نموده مقدار ۳ گرم سوم مفید به آن می افزایند و ظرف سفالین محتوی مخلوط مذکور را با گرمای ملایم حرارت می دهند تا سوم به خوبی ذوب شود . بعداً مخلوط را با یک قاشق چوبی بهم می زنند و خاتماً پس از دور کردن ظرف از گرمای آنرا به حال خود باقی می گذارند تا سرد شود. این پماد را باید در ظرف دیگر وارد کرده دهانه آنرا مسدود نمود و در سواقت ضروری یعنی هنگام صبح و شب بر روی پوست صورت اثر داد و پس از ۱۰ دقیقه، صورت را با پارچه تمیز پاک کرد (Ouensanga Ch).

صور داروئی - جوشانده ۱۵۰ گرم پیاز در یک لیتر آب که بدان عسل افزوده باشند - شربت پیاز که از ۱۰۰ گرم پیاز خام، ۱۰۰ گرم آب و ۱۰۰ گرم قند تهیه می شود - الکل اتور پیاز که به مقدار مساوی از پیاز تازه و الکل ۹۰ درجه تهیه می شود به مقدار ۱۴ تا ۱۰۰ گرم - شراب پیاز که به طریق زیر تهیه می شود به مقدار ۶۰ تا ۱۲۰ گرم یا بطور متوسط به مقدار ۳ قاشق سوپخوری در صبح و عصر .

شراب پیاز به طریق زیر تهیه می شود:

پیاز له شده	۲۰۰ گرم
عسل سفید	۱۰۰ گرم
شراب سفید	به مقدار کافی تا یک لیتر

ابتدا پیاز له شده را به مدت ۱ روز در شراب سفید قرار می دهند سپس آنرا صاف کرده ، عسل بدان می افزایند.

Allium Akaka Gmel.

A. ursinum L. ، A. latifolium J. Sp.

فرانسه : *Ail des bois ، Ail à large feuille ، Ail des ours* ؛
انگلیسی : *Ramons ، Wild - leek ، Broad - leaved - Garlic* ؛
آلمانی : *Wilder - Knoblauch ، Waldlauch ، Bärenlauch* ؛
ایتالیائی : *Aglio con foglie peduncolate ، Aglio - orsino* ؛
فارسی : **والک** - عربی : کراث الدب (*Kur rāth ed dubb*)

والک، گیاهی پیازدار و مخصوص جنگلها و نواحی سرطوب دشتها و مناطق کوهستانی

است. پیاز آن از ۳ برجستگی با ظاهر کاملاً مشخص تشکیل می یابد . والک بوی سیر می دهد و دارای دو برگ بیضوی نوک تیز و منتهی به دم برگ دراز است. هر قدر نواحی جنگلی محل رویش گیاه، سرطوب تر و تاریک تر باشد، فشردگی انتشار گیاه بیشتر می شود. دانه آن کوچک و دارای ظاهر کروی است.

ترکیبات شیمیائی - والک دارای ۰.۰۷٪ ر. درصد اسانس ، سرکب از سولفور و پلی سولفور و نیل Venyle و نوعی الئید ناپایدار است.

خواص درمانی - پیاز و برگ والک سابقاً مصرف زیاد بین سبب مختلف داشته بطوری که هنوز هم در تغذیه و تهیه سالاد از آنها استفاده می شود ولی در هر حال شهرت درمانی والک در طی سالهای متمادی تدریجاً کاهش یافته است.

H. Schulz در سال ۱۹۲۹ درباره والک چنین اعلام داشت که این گیاه نه تنها اثر تصفیه کننده خون به نحو فاطح دارد بلکه در رفع دانه های جلدی سزمن نیز اثر معالج ظاهر می کند. بعضی دیگر از پزشکان که بیشتر بر روی اثر گیاهان در درمان بیماریها بررسی نمودند ، از جمله V. Behr در سال ۱۹۳۵، والک را در رفع اختلالات هضمی بسیار مؤثر تشخیص دادند. چون اسانس والک، ترکیباتی مشابه اسانس سیرا دار در این نظر، والک اختصاصات درمانی مشابه سیرا در رفع بیماریهای دستگاههای هضم، تنفسی و همچنین درمان تصلب شرائین نشان می دهد.

محل رویش: والک در منطقه وسیعی از ایران خصوصاً در نواحی کوهستانی البرز، دانه های سرطوب البرز به سمت تهران در ارتفاعات بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ متری، در بند ، نواحی پوشیده از برف مجاور دز دره Dozdarrah ، شهرستانک، لشکرک ، فشم ، آذربایجان: اروسیه، بعضی نواحی گیلان، بین همدان و کرمانشاه، اراک، کوه قره کمر، شیراز، کوه برفی و غیره می روید.

Allium porrum L.

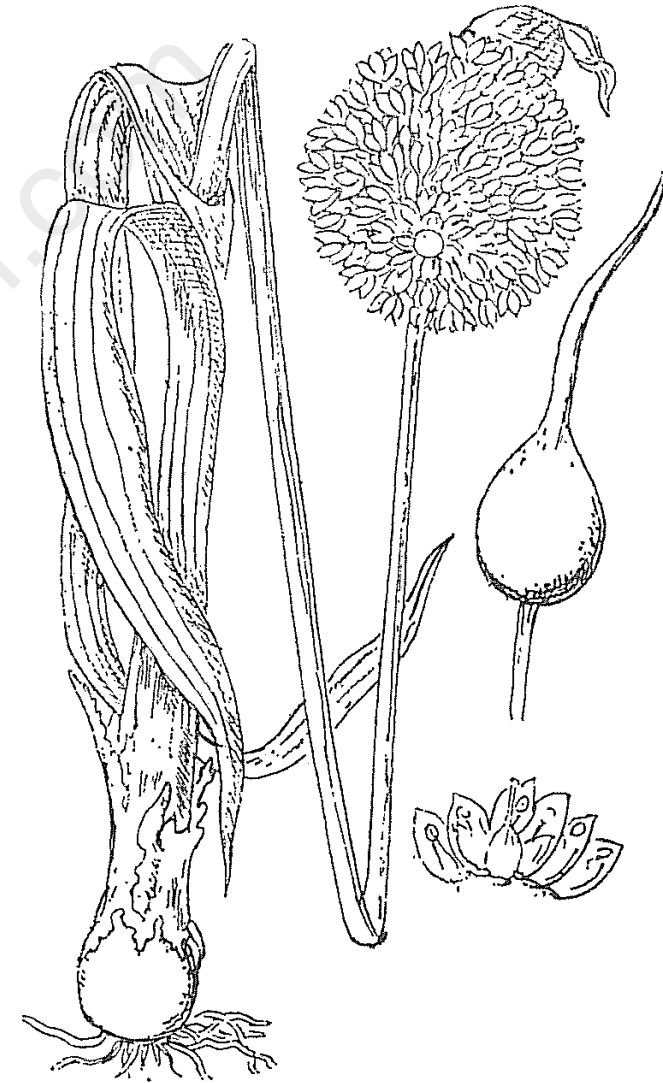
فرانسه : *Poirreau ، Poireau* ؛ انگلیسی : *Garden - Leek ، Leek* ؛

آلمانی : *Porrei ، Porree* ؛ ایتالیائی : *Porro* ؛ عربی : کراث رومی

فارسی : **توره** ، **کواور** (در گیلان)

گیاهی پرورش یافته و دارای برگهای نواری شکل، نسبتاً پهن و باغلاف دراز است. تا کنون به حالت وحشی دیده نشده است ولی امروزه تصور می کنند که از بعضی انواع، مانند *A. vineale L. ، A. ampeloprasum L.* که پیاز منقسم به چند قطعه و برگهای باریک دارد، منشأ گرفته باشد. از مشخصات آن این است که قاعده ساقه نسبتاً ضخیم آن، در داخل پیاز جای دارد. گلهای آن گلی یا سفید رنگ و مجتمع به صورت چتر بزرگ کروی است.

قسمت مورد استفاده این گیاه برگ و پیاز کوچک آن است که به حالت خام یا پخته مصرف می شود.



ش ۱۴۶ - Allium porrum : گیاه کاسل گلدار (اندازه طبیعی) گل باز شده

ترکیبات شیمیائی - تره دارای اسانسی مرکب از ترکیبات سولفوره است. برگ آن دارای آنزیم های مختلف مانند مالتاز، دکستریناز، انورتاز و اسولسین می باشد. در ریشه گیاه نوعی ئیدرات کربن وجود دارد که آرابینوز و گالا کتوز از آن نتیجه می شود.

خواص درمانی - تره را از قدیم الایام، مصریان، یونانیان و رومیان، به مصارف تغذیه می رسانیده اند و چون از سبزیهای سهل الهضم است و به علاوه طعم ویوی آن ملایم تر از سیر و پیاز می باشد، در هر عصری مورد توجه مردم قرار می گرفته است. مصرف آن برای مبتلایان به سوء هضم، چاقی، درد مفاصل، نقرس، تصلب شرائین و یبوست دائمی (Dr. H. Leclerc)، توصیه گردیده است به علاوه غذای مناسبی برای مبتلایان به تحریک معده و روده است.

تره از سبزیهای سدر و بسیار مفید است. اثر خلط آور و نرم کننده به نواقط دارد. سوپ آن حس البول (عدم دفع ادرار)، آب آوردن انساج و سنگ کلیه را در میان می کند. جوشانده دانه و دم کرده گرم آن در یک لیتر شراب، سنگ کلیه را دفع می کند و علاوه به سهولت دفع ادرار را فراهم می سازد. در موارد گرفتگی صدا، گریپ، سرفه، ورم گلو و نای و بطور کلی تمام حالات التهابی حاد و مزمن دستگاه تنفس، سیاه سرفه و غیره اگر سوپ و شربت آن مصرف شود، اثرات درخشان بظهور می رساند.

در استعمال خارج، اگر تره به محل گزیدگی زنبور یا زنبور عسل، مالش داده شود، در درازا تسکین می دهد. تره پخته شده در شیر را معمولاً به صورت ضماد بر روی اولسره های چرکین یا در محل آماس های رماتیسمی یا نقرسی یا لمباگوها، جهت تسکین و بهبود بیماری اثر می دهند. تره پخته شده در زیر خاکستر، موجب سرباز کردن دسل ها، آبسه ها و Panaris می شود. برای این کار می توان شیره تره را در آرد وارد کرده به صورت خمیری در آرد ویا آن را با قسمت نرم درون نان، مالش داد و سپس بر روی دسل یا آبسه ها اثر داد. تقویه جوشانده تره بهترین نرم کننده است و در رفع استلاء روده بزرگ بسیار نافع می باشد.

تره در نواحی مختلف ایران پرورش می یابد و معمولاً از آن در تغذیه استفاده به عمل می آورند.

از گونه های مفید و غیر موجود این گیاهان در ایران به شرح مختصر انواع زیر مبادرت می شود:

۱- *A. victoriale* L. *، در غالب نواحی کوهستانی نیمکره شمالی می روید. پیاز آن اثر مدر، ضد کرم و مقوی قلب دارد.

۲- *A. tenuifolius* Cav. * - گیاهی یکساله و دارای برگهای دراز به طول ۱۰-۳

و به عرض ۳-۴ سانتیمتر است. از ریشه‌اش، ساقه‌های متعدد و منتهی به گل‌های سفید و مجتمع به صورت خوشه خارج می‌شود. میوه‌اش کوچک، پوشینه، مدور، به قطر ۴-۵ میلی‌متر و محتوی دانه‌های سیاه‌رنگ است. در جزایر قناری، هند و سرحدات غربی ایران می‌روید؟.

دانه‌اش اثرمدر دارد و در استعمال خارج، بر روی زخم و جراحات جهت درمان آنها اثر داده می‌شود. اثر ضد التهاب نیز دارد.

۳- *A. tuberosum* Roxb. * - غده متورم و استوانه‌ای، سستور از ریشه‌های باریک و سفیدرنگ دارد. گل‌های آن مجموعاً در انتهای ساقه گلدار به صورت نیمکره‌ای ظاهر می‌شود. میوه‌اش معطر است. در هیمالیا، چین، سیام و بنگال به حالت وحشی می‌روید و علاوه بر پرورش می‌یابد. دانه‌اش از نظر درمانی، برای رفع سیلان سنی به کار می‌رود.

در ایران نمی‌روید.

Lilium candidum L.

فرانسه : Lis - de - Saint Antoine ، L. commun ، Lis - blanc
انگلیسی: Bourbon lily ، Madronna lily ، White - lily
آلمانی : Weisse - Lilie ای‌تالیائی : Giglio della Madronna
فارسی : گل سوسن (گیاه پرورش یافته) - عربی : سوسن ایبض

سوسن از قدیمی‌ترین گیاهان زینتی است که پرورش آن در مناطق وسیعی از کشورهای مختلف انجام می‌گرفته است. با آناری که از این گیاه به حالت گلدار بر روی ظروف سفالین، در ناحیه‌ای از کرت به نام Knosse به دست آمد، قدمت شناسایی گیاه به ۱۷ قرن قبل از میلاد مسیح نسبت داده شد. در حدود ۱۰۰۰ سال بعد از تاریخ مذکور نیز پرورش آن مسلماً در مصر معمول گردید. توسعه انتشار آن امروزه در نواحی مختلف جهان به صورتی است که در غالب مناطق بدان برخورد می‌شود مخصوصاً که گیاه توانسته است در بعضی نقاط به حالت نیمه وحشی درآید. سوسن با آنکه امروزه در لبنان و بعضی نقاط منطقه مدیترانه به حالت وحشی دیده می‌شود معهداً منشاء اولیه گیاه هنوز بطور وضوح روشن نشده است.

سوسن ساقه‌ای به ارتفاع ۶۰-۱۰۰ سانتیمتر دارد. برگ‌های باریک و دراز آن دارای کناره موجدار و نوک تیزند و به حالت فشرده در طول ساقه مخصوصاً در قسمت‌های پائین آن دیده می‌شوند. گل‌های آن درشت، سفیدرنگ و دارای پرچم‌های زردرنگ با بوی قوی و مطبوع می‌باشند. در فاصله ماه‌های اردیبهشت تا اواخر تیر نیز به تناسب اختصاصات محل رویش، گل‌های آن ظاهر می‌شوند. پیاز سوسن، درشت و مرکب از فلس‌های متعدد است. از مشخصات گل‌های درشت

و زیبای این گیاه آن است که بوی مطبوع آن بیشتر در هنگام عصر در فضا احساس می‌گردد. وارته‌های متعددی از این گیاه وجود دارد که هر یک به علت دارا بودن گل‌های زیبا، در نقطه‌ای پرورش می‌یابند.

قسمت مورد استفاده این گیاه، پیاز، گل، گلبرگ‌ها و اسانس معطر آن است.

ترکیبات شبه‌یائی - بررسی‌های L. Reutter، وجود ماده‌ای به نام سیلین *scilline*، که برخی آن را نوعی الکلونید می‌دانند، معلوم داشت.

خواص درمانی - پیاز سوسن سابقاً به عنوان مدر و خلط‌آور و در استعمال خارج به عنوان نرم کننده و به صورت ضماد مورد استفاده قرار می‌گرفته است. سابقاً جهت رفع آب آوردن انساج و استسقاء به کار می‌رفته است. از پیاز سوسن بیشتر به حالت پخته در زیر خاکستر یا در آب جوش و یا در شیر ویا له شده آن به صورت پماد یا ضماد نرم کننده، جهت رفع التهاب آب‌سدها و تومورها استفاده به عمل می‌آید ویا آنکه ضماد و پماد مذکور جهت درمان سرمازدگی، زخم‌های ملتهب، سوختگی‌ها و ورم ملتحمه به کار می‌رود. پیاز سوسن چون سوسیلاز فراوان دارد، در رفع ناراحتی‌های پوستی تأثیر می‌کند.

گلبرگ‌های سوسن، اختصاصاتی شبیه پیاز آن دارند و از آنها به دو صورت زیر استفاده می‌شود:

۱- خیسانده گلبرگ سوسن در عرق، داروئی التیام دهنده است و با تاثیر آن بر روی بریدگی‌های پوست بدن یا بر روی زخم‌های تازه و سطحی، موجبات التیام سریع آنها فراهم می‌شود.

۲- با خیساندن گلبرگ‌ها در ۲ برابر حجم خود روغن زیتون، داروئی به دست می‌آید که به سهولت، شکاف‌های نوک پستان و سوختگی‌های عادی را درمان می‌بخشد.

با وارد کردن قطعات گل در روغن و تبخیر آن، به حدی که رطوبت آنها از بین برود، روغنی به نام روغن سوسن به دست می‌آید که Abbe Seb. Kniepp آن را جهت رفع سوختگی‌ها، درمان اولسرها، رفع لکه‌های خرمائی صورت و عوارض آگزائی، کویدگی‌ها، در رفتگی اعضا، لوسباگو، رفع دردهای رساتیسمی، نقرسی و غیره توصیه کرده است.

استفاده درمانی از این گیاه امروزه چندان معمول نیست.

گونه‌های سفید دیگر این گیاهان به شرح زیر است:

Lilium Martagon L. *، گیاهی زیبا ولی دارای گل‌هایی بایوی ناپسند است. در

کوهستانها، جنگل‌ها و دشتهای مرطوب، مخصوصاً اگر جنس زمین آهکی باشد می‌روید. گل‌های

درشت و آویخته آن، رنگ گلی مایل به بنفش دارند و در سطح آنها، لکه‌هایی به رنگ ارغوانی دیده می‌شود. از مشخصات گیاه این است که برگ‌های آن به صورت دسته‌های ۳ تا ۶ تایی، بطور فاصله‌دار در طول ساقه دیده می‌شوند. پراکنندگی آن در نواحی کوهستانی اروپا و نقاط معتدله آسیاست. در ایران به حالت وحشی دیده نشده است. پرورش آن در غالب نواحی، به علت گل‌های زیبایی که دارد معمول است.

پیاز آن در سبیری، پس از پرخند شدن مصرف می‌شود. در بصراف داخلی به عنوان مدر و قاعده آور به کار می‌رود. در استعمال خارج، اثر نرم کننده دارد و برای آن همان اثرات درمانی گیاه قبلی را قائل اند.

گونه‌های *L. croceum* Chaix * و *L. bulbiferum* L. * نیز که هر دو در نواحی کوهستانی اروپا مانند ژورا و آلپ می‌رویند ولی در ایران یافت نمی‌شوند، به بصراف درمانی مشابه در استعمال خارج می‌رسند.

در تیره *Liliaceae*، گیاهان مفید دیگری نیز وجود دارند که به علت کم ارزش بودن به شرح مختصر آنها مبادرت می‌شود.

از بین *Asphodelus* ها، گونه آنها: *A. ramosus* L. *، *A. cerasiferus* Gay. * و *A. microcarpus* Viv. که دو نوع اول آنها در ایران نمی‌رویند، از نظر آنکه ریشه ستورسی با اندوخته‌های سفید دارند، قابل ذکر می‌باشند. در اینجا به شرح اختصاصات گیاه‌شناسی گونه اول از گیاه مذکور اکتفا شده است.

* *Asphodelus ramosus* L.

فرانسه: *Bâton royal*، *Bâton blanc*، *Asphodèle*؛

انگلیسی: *Silver rod*، *Aestiger Affodill*، *Asphodel*؛

آلمانی: *Kaiserscepter*، *Koenigscepter*، *Kaiseraffodill*؛

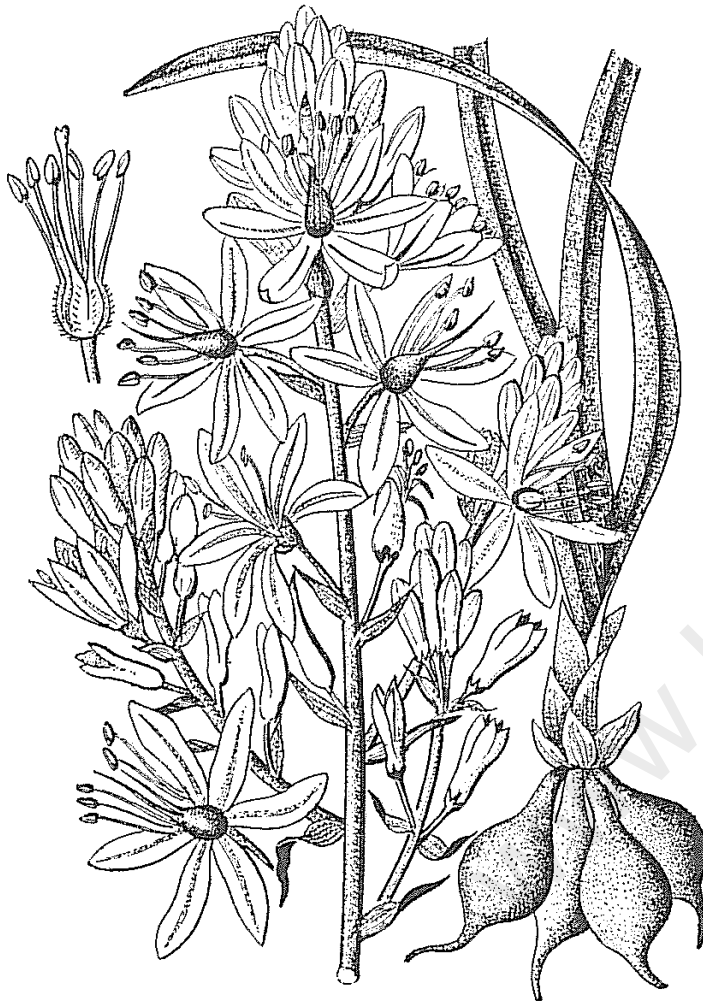
ایتالیایی: *Porrancio*، *Asfodillo bianco*، *Astra regi*؛

عربی: سریشی (*Sarish*)، برواق، اشراس، خنثی (*Khunthâ*)

گیاهی علفی، چند ساله و به ارتفاع متجاوز از یک متر است. در منطقه مدیترانه مانند جنوب فرانسه (در اراضی سیلیسی) و در الجزیره می‌روید. برگ‌های آن مجتمع در قاعده و دارای ظاهر باریک و دراز است. طول تقریبی آنها ۳-۵ سانتیمتر و عرض آنها یک تا ۳ سانتیمتر می‌باشد بعلاوه فرورنگی ناودانی در سطح فوقانی پهنک برگ‌های آن دیده می‌شود. گل‌های آن رنگ سفید یا مایل به صورتی و حالت مجتمع به صورت خوشه پرگل و فشرده دارند که مجموعاً

زیبائی خاص به گیاه می‌دهند.

ریشه ستورم گیاه به صورت برجستگی‌های گوشتدار، دراز و نزدیک به یکدیگر است.



ش ۱۴۷ - *Asphodelus ramosus*: دو قسمت از گیاه گلدار (اندازه طبیعی)

گل عاری از پوشش (Hall.)